

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

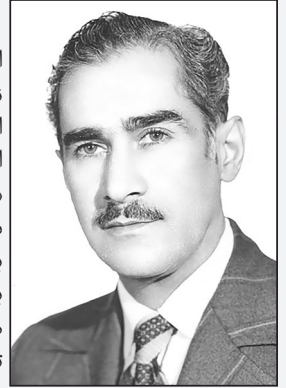


به جای
التماس ظهور
شرایط را
آماده کنیم



سال سی و نهم ♦ شماره ۵ ♦ شماره مسلسل ۱۵۷۱ ♦ نیمه اول خرداد ماه ۱۳۹۷ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

دکتر محمد نخشب و نهضت اسلامی ایران



سید هادی خسروشاهی که بی تردید از چهره‌های شاخص و فعال در عرصه نهضت‌های اسلامی به شمار می‌رود و بسیاری از او به عنوان دنباله رو جریان مصلحان اسلامی معاصر یاد می‌کنند در کتابی با عنوان «خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی» به شرح خاطراتش در خصوص برخی از چهره‌های برجسته ملی-مذهبی از جمله محمد نخشب پرداخته است. به همین بهانه گفتگویی با مؤلف این کتاب داشتیم و از زاویه نگاه او به تماشای محمد نخشب و نهضت خدایپرستان سوسیالیست، نشستیم.

ماهنامه نسیم بیداری - شماره ۸۲ اردیبهشت ۹۷

آشنایی من با مرحوم نخشب بیشتر به پس از کودتای ۲۸ مرداد بازمی‌گردد. او حزب آزادی مردم ایران را همراه دکتر علی شریعتمداری تأسیس کرده بود و در نهضت مقاومت ملی هم بود، از همین رو دیدارم با نخشب تا زمانی که توسط فرماندار نظامی تهران دستگیر شد، ادامه داشت.

البته او در بعضی از نشست‌ها و مراسمی که از طرف انجمن اسلامی دانشجویان برگزار می‌شد شرکت می‌کرد و از آنجایی که خود اهل قلم بود، مقالات متعددی هم می‌نوشت و منتشر می‌ساخت. به مسجد هدایت هم گهگاهی می‌آمد. اوایل سال ۱۳۳۰ بود که رساله ای به نام «انسان مادی» از او منتشر گردید و در آن ماه همان سال چاپ دومش به نام «بشر مادی» انتشار یافت و من در یکی از دیدارهایم با مرحوم نخشب از ایشان خواستم که آثار و رساله‌هایش که در اختیار نداشتیم به من اهدا کند. نخشب هم در اولین فرصت مجموعه ای کامل از رساله‌هایش را که با نام‌های مستعاری مانند «سرسخت» چاپ می‌شد، بر من فرستاد. پس از پیروزی انقلاب که گروه‌های گوناگون سیاسی به نشر ادبیات غربی و شرقی می‌پرداختند و تقریباً همه آثار مارکسیستی در حوزه فلسفه، سیاست و اقتصاد و فرهنگ را حتی رایگان در اختیار نسل جوان و انقلابی قرار می‌دادند؛ در همان ایام من مجموعه کامل آثار ارزشمند نخشب را از قلم منتشر کردم.

رابطه نخشب با روحانیت به چه صورت بود؟ آیا با آیت الله کاشانی که در زمان فعالیت او در ایران از روحانیون فعال سیاسی بود، رابطه ای داشت؟

دکتر علی شریعتمداری در خاطراتش می‌گوید که نخستین آشنایی اش با نخشب در جلسه ای بوده که پس از تبعید آیت الله کاشانی به بیروت طرفدارانش تشکیل داده بودند و در آنجا محمد نخشب هم حضور داشت و او را جوانی پرشور و مسلمان و مرید آیت الله کاشانی معرفی می‌کند. یا حتی در خاطرات خود می‌گوید دیدار با آیت الله کاشانی بسیار سخت بود. ولی مرحوم نخشب اجازه داشت که هر زمانی برود و مستقیماً خدمت ایشان برسد. حتی آقای شاه حسینی از ملی‌گرایان سرشناس در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید که «آیت الله کاشانی او را بچه مسلمان تحصیل کرده توصیف و مورد تأیید قرار می‌داد.»

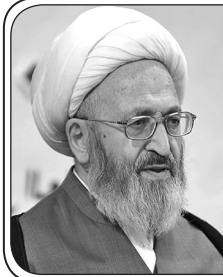
زمانی که دولت غاصب اسرائیل تأسیس شده بود، به همراه آیات کاشانی و طالقانی، انجمن اسلامی دانشجویان، فدائیان اسلام و اتحادیه مسلمین، نخستین اعلام آمادگی برای جنگ علیه اسرائیل را آنها اعلام کردند و در میان کسانی که برای مبارزه در فلسطین نام نویسی کرده بودند عده‌ای از اعضای سازمان خدایپرستان سوسیالیست هم بودند؛ هر چند دولت وقت اجازه خروج را به آنها نداد.

آیا فدائیان اسلام هم ارتباطی با خدایپرستان سوسیالیست داشتند؟

در جریان انتخابات شانزدهم مجلس شورای ملی احتمال تقلب یا دزدیده شدن صندوق‌های رأی بسیار بود. بنابراین لازم بود که عده ای حفاظت از صندوق‌ها را به عهده بگیرند که عمده این افراد از فدائیان اسلام بودند که به قول مهندس عزت الله سحابی «فدائیان اهل رزم و مبارزه بودند و جبهه ملی اهل این قبیل حرف‌ها نبود!» در این میان عده ای از دانش‌آموزان هم توسط محمد نخشب به گروه فدائیان پیوستند.

ادامه در صفحه ۴

حضرت آیت الله سبحانی:
فقه مقارن به
تقریب مذاهب
کمک می‌کند



آداب تشریف به میهمانی خدا
در گفت و گو با حجت الاسلام
والمسلمین نوراللهیان
ادب حضور
لازمه ورود به
ضیافت الله



در حق
علامه جعفری
کوتاهی شده
است



سید مهدی شجاعی از احوالات
فرهنگ می‌گوید
با جنگ قدرت
مجال برای
فرهنگ نمانده



عضو خبرگان رهبری:

ناکارآمدی مسئولان، دین و روحانیت را از نظر مردم ساقط می‌کند

اجرای به خودی خود اشکالی ندارد و اگر نقصی باشد، در مقاصد، اهداف و در نحوه عملکردهاست؛ اگر روحانیت صرفاً به قصد اقامه دین، هدایت و تربیت مردم و اصلاح جامعه به عرصه حکومت و مسئولیت وارد شود و در این مسیر نیز کاملاً صحیح و شایسته شأن خود حرکت کند و حکومت را فقط وسیله و ابزار خدمت، هدایت و رفاه و صلاح مردم قرار دهد و عملکردها هم کاملاً درست و الهی و باروش نیکو و زیبا سامان یابد، حضور روحانی در حکومت مبارک است و در غیر این صورت حضور روحانی



خبرگزاری حوزه: آیت الله هاشم هاشم زاده هریسی از نمایندگان استان آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان رهبری و استاد حوزه علمیه و دانشگاه در گفت و گوی تفصیلی به تشریح کارکردهای ویژه روحانیت در قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و همچنین بی‌پرده به نقاط قوت و ضعف روحانیت و عملکرد ۴۰ ساله این قشر اشاره کرده است.

■ به عنوان سوال اول بفرمایید، روحانیت در عصر امروز، چه رسالت‌ها و کارکردهایی دارند؟

روحانیت نخست باید خود را الهی بسازد و آنگاه جامعه و مردم را الهی کند؛ این خلاصه مسئولیت و رسالت روحانیت است، هر چیز دیگری که روحانیت در جامعه انجام می‌دهد باید مقدمه و ابزار این هدف اصلی باشد؛ در غیر این صورت ابرتر است.

■ در انجام این وظیفه مقدس و مأموریت الهی، یعنی هدایت انسان‌ها، مقدمات و پیش‌شرط‌های زیادی لازم است که یک روحانی باید نخست آن‌ها را برای خود فراهم سازد. این پیش‌شرط‌ها کدام هستند؟

روحانی باید از علوم و فنون مختلف مرتبط با هدایت، تبلیغ و تربیت به حد کافی بهره‌مند باشد و خود را به فضایل و مکارم اخلاق، تقوا و خودسازی به معنای واقعی مزین کند؛ روش‌شناسی و به کارگیری روش نیک و شیوه جذاب در ارتباط گفتاری و رفتاری با همه مردم و با دوست و دشمن نیز از پیش‌شرط‌های رسالت روحانیت به شمار می‌رود.

البته مهم‌ترین و مؤثرترین و در عین حال مغفول‌ترین آن‌ها، روش‌ها، زیبایی‌ها و جذابیت‌های گفتارها و رفتارهاست، یک روحانی در مأموریت‌های الهی خود باید با آن‌ها کاملاً آشنا و به آن‌ها مجهز باشد و آن‌ها را بکار بگیرد. اگر گفتار و عمل خوب و صحیح ولی روش و لحن ادای سخن و انجام عمل نامناسب و زنده باشد، آن‌ها را زشت و ناصواب می‌نمایاند و مخاطب را از محتوای دعوت دور می‌سازد.

■ حضور روحانیت در حکومت و امور اجرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من حضور روحانیت در حکومت و مسئولیت‌های

در حکومت زبانبار و خطرناک بوده و موجب وهن دین و جدائی روحانیت از مردم گردیده و در برابر مردم قرار می‌گیرد.

حضور روحانیت در حکومت دینی، بسیار ظریف و مانند شمشیر دولبه است و مراقبت شدید می‌طلبد که از لبه عدالت، قداست و رحمتش که لبه الهی آن است، استفاده شود و از لبه قدرت، ریاست، جباریت و دین‌ابزاری که لبه شیطانی آن است، استفاده نشود؛ حکومت دینی با حضور روحانی باید برای مردم و جامعه و کل جهان برکات مادی و معنوی به ارمغان بیاورد.

■ نهاد روحانیت تا به امروز چقدر توانسته از فرصت‌هایی که در اختیار دارد، برای رسیدن به اهداف متعالی اسلامی و الهی و تکامل جامعه به سمت سعادت حقیقی استفاده کند؟

یکی از وظایف مهم روحانیت و حاکمیت این است که عملکردهای چهل ساله خود را در جمهوری اسلامی بازنگری، آسیب‌شناسی و بازبینی کنند که چه توفیقاتی به‌دست آورده‌ایم و چه ناکامی‌هایی داریم و چرا؟

متأسفانه تاکنون چنین نگرشی به گذشته نداشتیم و در چنین فکری هم نیستیم؛ ما باید پیش از این‌که به دیگران بتازیم و به آن‌ها نهیب بزنیم، باید به خودمان و عملکردهایمان بپردازیم که حدود ۴۰ سال است، به عنوان اقامه دین و به منظور هدایت و تربیت مردم، حکومت دینی تشکیل داده‌ایم و می‌خواهیم جامعه‌ای را به عنوان جامعه اسلامی تربیت و ساماندهی کنیم و به عنوان الگو و نمونه به جهان و جهانیان ارائه دهیم و بگوییم که بیایید این چنین باشید!

ادامه در صفحه ۴

سیدمهدی شجاعی، نویسنده دغدغه‌مندی است که طی این سال‌ها توانسته است مخاطبان زیادی را با کتاب آشتی دهد. کتاب‌هایش و هدف‌هایی که برای انتشارات نیستان دارد، همه و همه باعث جذب مخاطبان شده است. از او خواستیم برایمان از دغدغه‌های فرهنگی این روزهایش بگویید؛ دغدغه‌های فرهنگی و امید به فرهنگ که شاید به ناامیدی رسیده است، مثل همیشه که فرهنگ برایش اولویت است برایمان از فرهنگ گفت و از بلاهایی که دارد بر سر فرهنگ این مرز و بوم می‌آید.

اولین سوال من در خصوص وضعیت فرهنگی کشور است. چرا عرصه تولید و مصرف محصول فرهنگی در کشور ما راکد شده است؟ البته در دوره کوتاهی با تغییر دولت، برخی عنوان کردند امید جدیدی در زمینه فرهنگ ایجاد شده است، اما امروز که با اهل فرهنگ و هنرمندان صحبت می‌کنیم، گویا اوضاع تغییر چندانی نکرده است. باز هم در بحث تولید محتوا گرفتار رکود هستیم و تولیدات مختصری هم که شکل می‌گیرد، فراتر از مرزهای ترسیم شده مخاطبان‌ش نمی‌رود. آقای شجاعی واقعا چه اتفاقی برای ادبیات ایرانی افتاده که گرفتار چنین شرایط رکودی شده است؟

ما زمانی می‌گفتیم چرا دغدغه کتاب و فرهنگ در سیاست‌گذاران ما نیست. ما انتقادمان این بود که چرا بی‌توجهی می‌شود، چرا کم‌توجهی می‌شود، چرا ۲۰ یا ۳۰ سال است نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود اما هر سال مثل یک حادثه غیرمترقبه با آن مواجه می‌شویم، هر سال همان نقص‌هایی را دارد که پنج یا ۱۰ سال پیش داشت.

اگر نمایشگاه کتاب به عنوان یک اتفاق فرهنگی قرار است همان چیزی که شما می‌گویید باشد، تولیدکننده فرهنگ باید بیاید و با مصرف‌کننده فرهنگ، در تعامل با هم قرار بگیرند.

اما چرا این اتفاق نمی‌افتد؟ احساس و دریافت من این است که ماجرا با قیلا که می‌گفتیم بهای کافی به فرهنگ داده نمی‌شد، کاملا فرق کرده است. الان ضدیت با فرهنگ وجود دارد. الان سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای این است که مردم کمتر بفهمند، مردم کمتر با فرهنگ سروکار داشته باشند. از نگاه بالاتر هم به موضوع نگاه کنید همین است. کشور ما در حال حاضر مثل یک کشتی است که سکانداران آن بر سر قدرت با هم می‌جنگند. بعد اینها برای مقلوب کردن همدیگر کشتی را سوراخ می‌کنند، برای اینکه به هم لطمه بزنند.

یعنی زیانش گریبان مردم را می‌گیرد. کشتی به سمت غرق شدن می‌رود ولی آنها می‌خواهند به هم لطمه بزنند و بر هم غالب شوند. حالا چرا آنها خیال‌شان راحت است چون جلیقه نجات دارند و غرق نمی‌شوند اما مردم غرق می‌شوند. یک عده هستند که جلیقه نجات دارند و همه تمهیدات‌شان را اندیشیده‌اند تا به محض اینکه خبری شد، بروند جای دیگری که پایشان را سفت کرده‌اند.

چیزی که اصلا مطرح نیست، مردمی هستند که در این کشتی قرار گرفته‌اند؛ معیشت مردم، فرهنگ مردم، سرنوشت مردم و آینده مردم اصلا مطرح نیست. جنگ بر سر قدرت است و تازمانی که این جنگ بر سر قدرت وجود داشته باشد مجالی برای پرداختن به فرهنگ وجود ندارد. تنها کاری که می‌شود انجام داد این است که راه‌های ورودی خبر به مردم را ببندیم که نفهمند پشت صحنه چه خبر است. این همان اتفاقی است که رخ داده است و دیگر نمی‌شود گفت بخش تولید و مصرف فرهنگ از اینها مجزا است.

سوال بعدی من در مورد مخاطبان محصولات فرهنگی است که عرضه می‌شود.

ما شاهد یک نوع تبلیغ عجیب هستیم که مثلا مخاطبان نمایشگاه کتاب تهران امسال افزایش داشته‌اند یا در زمینه سینما هم این گزازه مطرح است که تعداد مخاطبان‌ش افزایش داشته‌اند. ولی آنچه واضح است اینکه بخش مهمی از جامعه ایرانی درگیر محصولات فرهنگی نمی‌شوند. محصولات در دایره تنگی از مخاطبان و همچنان محدود گیر کرده‌اند.

چه باید کرد که دایره مخاطبان از مرزهای تکراری خود فراتر روند. شما اشکال را متوجه کدام بخش از دو طرف این ماجرا، یعنی تولیدات فرهنگی یا مردم، می‌دانید؟

برای اینکه تولیدکننده فرهنگ بتواند فعالیت فرهنگ داشته باشد و برای اینکه مردم به سراغ او بیایند سیاست‌گذاری کلان فرهنگی لازم است. آن سیاست‌گذاری کلان فرهنگی است که جهت‌دهی می‌کند.

گیر ما در آنجاست. نه مردم به آن معنا مقصر هستند نه تولیدکننده. وقتی شما با هزار جور مانع مواجه می‌شوید برای اینکه بتوانید کار درست و سالم تحویل جامعه بدهید و وقتی جامعه درگیر معیشتش است واقعا مجالی برای خواندن کتاب برایش نمی‌ماند. وقتی تبلیغات کلان جامعه به سمتی می‌رود که مردم را به سمت رفاه و مسائل مادی سوق می‌دهد والگوها و اسوه‌هایی که دارد عرضه می‌کند هم الگوها و اسوه‌های فوتبالیست و هنرپیشه و اینهاست؛ وضعیت همین‌هاست که می‌بینیم. یعنی رویکرد کلی سیاست‌گذاری ما به سمت فرهنگ و آگاهی فرهنگی نیست؛ همه چیز در یک راستا شکل می‌گیرد.

یک مثال برای شما بزنم. تلویزیون یک جایگاه فرهنگی حکومتی است؛ آن وقت می‌آیند سریالی تولید می‌کنند به نام پایتخت که از تلویزیون پخش

سیدمهدی شجاعی از احوالات فرهنگ می‌گوید

با جنگ قدرت مجالی برای فرهنگ نمانده

هنوز در این کار فضاهای خالی وجود دارد، یعنی نقدهایی بر مجموعه‌هایی وارد بود که در آن رمان به آنها اشاره نشده بود. همین مساله، دلیل نوشتن جلد دوم این رمان شد اما این نوشتن بیش از آنچه فکر می‌کردم طولانی شد. نگاهم این بود که این آخرین اثری است که داستانی با نقد اجتماعی می‌نویسم. تصمیم داشتم که عرصه نوشتن را پس از این اثر به سمت و سوی دیگری ببرم. می‌خواستم هر چه حرف در این عرصه داشتم را در این رمان بیان کنم. به همین دلیل نگارش آن طول کشید ولی فکر

کنم ارزشش را داشت. در جلد اول رمان «کمی دیرتر» مساله انتظار با محوریت فردی و زیست اجتماعی انسان مورد توجه قرار گرفت اما در مجلد دوم انتظار بهانه‌ای بود برای پرداختن به مسائل دیگر. شاید بشود گفت کمتر مساله اجتماعی دارای اهمیتی هست که در این اثر به آن پرداخته نشده باشد. به همین خاطر در جلد دوم به دنیای گسترده‌تری برای نوشتن وارد شدم. در واقع در این اثر سعی کرده‌ام به بهانه انتظار به سراغ بیان بسیاری از مسائل بروم.

باید می‌دیدیم که به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه و معتقد به مساله انتظار، چقدر و چند مرده حلاج هستیم و پای حرف‌مان می‌ایستیم. به عنوان نویسنده سعی کرده‌ام قدم به قدم با مردم و با شرایط اجتماعی جلو بیایم و هر مشکل و دردی را که در زندگی آنها وجود داشته بینم و در کنارشان باشم. وقتی جنگ مساله اصلی بود به آن پرداختم و وقتی هم که اشرافی‌گری و بی‌عدالتی مساله بود به آن پرداختم. نویسنده باید منعکس‌کننده دردهای اجتماعی باشد و البته برای درمان هم دستش خالی نباشد که فکر می‌کنم آثار اعتقادی یک نویسنده می‌تواند نسخه درمانی باشد که تجویز می‌کند.

روزنامه فرهیختگان

در اعتراض رسمی بنیاد بوعلی سینا به مصادره مفاخر ایران اعلام شد:

ترکیه، قادر به تحریف تاریخ بوعلی نیست

روزهای اخیر، ابراز کرد: مسئله اول لوح یادبود مجسمه بوعلی در دانشکده پزشکی دانشگاه آنکارا بود که از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه، مراتب اعتراض اعلام شده است و دیگری حذف تصویر بوعلی سینا از طرح جلد دفترچه‌های تأمین اجتماعی بود که با رئیس محترم این سازمان مکاتبه و اعتراض لازم صورت گرفته است.

رئیس بنیاد بوعلی سینا اضافه کرد: هر چند درباره تصاحب هویت بوعلی از سوی ترکیه از طریق مجاری دیپلماتیک اقدام شده و انتظار تصحیح می‌رود، پذیرفته نیست که در داخل کشور خودمان و در زمانه‌ای که ایران اسلامی مورد هجمه فرهنگی بی‌امان قرار گرفته؛ خودی‌ها نیز دست به خودزنی بزنند و با کارهای نسنجیده با تحریک افکار جامعه و ملت شریفی که بوعلی را فرزند بزرگ این سرزمین می‌دانند؛ زمینه نارضایتی عمومی را فراهم کنند.

وی تأکید کرد: انتظار داریم سازمان تأمین اجتماعی به احترام این دانشمند و حکیم بزرگ ایرانی هرچه سریع‌تر اشتباه مذکور را تصحیح کند و تصویر شیخ‌الرئیس را به دفترچه‌های تأمین اجتماعی برگرداند. این بنیاد در نامه اعتراضی خود برای هر گونه همکاری در طراحی تصویر و سایر طرح‌های مرتبط با بوعلی سینا اعلام آمادگی کرده است.

رئیس بنیاد بوعلی سینا در پایان تصریح کرد: امیدواریم مسئولان کشور و استان قدر میراث این دُرذانه الهی، جناب حسین بن عبدالله بن سینا را بدانند و زمینه نشر آثار و رساله‌های و اندیشه حکمی آن حکیم بزرگ را بیش از پیش فراهم کنند.

می‌شود. اگر شما می‌خواستید در آن چند روز ایام عید ۲۰ بار روزی یک ساعت در مورد آنتالیا تبلیغ کنید و آنجا را به مردم بشناسانید به این اندازه موفق نمی‌شدید. این ناشی از چیست؟ از این طرف منع گذاشته می‌شود و می‌گویند پرواز مستقیم به آنتالیا ممنوع، از طرف دیگر رفت و برگشت پروازهای داخلی مثلا به کیش می‌شود ۸۰۰ هزار تومان در حالی که رفت و برگشت آنتالیا با اقامت یک هفته می‌شود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان. خب چه کسی پیدا می‌شود که کیش را بچسبد و آنتالیا را ول کند.

می‌بینید همه این عوامل به این سمت می‌رود که شما را سوق دهد به سمت چیز دیگری غیر از آن چیزی که باید باشد. برمی‌گردد به همان سیاست‌گذاری‌ای که اجازه نمی‌دهد، کشور فضای مناسب جذب توریست باشد و سرمایه‌هایی که داریم، دیده شود.

الان ما چند برابر ترکیه به لحاظ بومی، اقلیمی و جغرافیایی جاذبه در ذات طبیعت‌مان داریم ولی این اتفاق برای کشور ما نمی‌افتد و آنها می‌آیند برای ما برنامه‌ریزی می‌کنند و هتل‌هایی را می‌سازند که براساس بازار مصرف ایران تعریف می‌شود. می‌گویند در ایران مردم پول درمی‌آورند و جای خرج کردن ندارند، بنابراین می‌بینیم میلیون‌ها دلار در سال روانه کشور ترکیه می‌شود.

این یک نمونه است. مقصر چه کسی است؟ مقصر ترکیه است؟ آنها دارند کار خودشان را انجام می‌دهند، درست هم انجام می‌دهند. روز به روز کشورشان را پیشرفته‌تر و جایگاه‌شان را در منطقه تثبیت می‌کنند. این مدیران ما هستند که متأسفانه مردم و مملکت‌مان را دچار تنزل کرده‌اند.

کمی هم در مورد رمان جدیدتان صحبت کنیم.

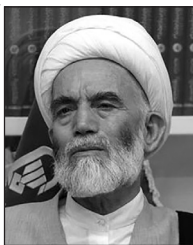
زمانی که رمان «کمی دیرتر» منتشر شد حس کردم

گستره جغرافیایی ایران بوده و هر آنچه به عنوان میراث علمی و کتب فلسفی و پزشکی از او به جا مانده در این خطه و با پشتیبانی امرای شیعه آل بویه نگارش شده است.

رئیس بنیاد بوعلی سینا سپس در مورد انتساب بوعلی به عنوان حکیم ترک نیز گفت: در دوره شیخ‌الرئیس گستره ایران از آسیای میانه تا آناتولی بوده و سرزمین آسیای میانه که زادگاه بوعلی است، در داخل ایران زمین قرار داشته است. هم‌اکنون هم با گذشت بیش از یک هزاره از تولد بوعلی سینا، افشنه و بخارا به زبان فارسی صحبت می‌کنند. بنابراین، نمی‌توان گفت چون کشور جدیدالتأسیس ازبکستان با زبان رسمی ترکی ازبکی خود را معرفی می‌کند، پس گذشته تاریخی آن سرزمین هم مربوط به ترکان ازبک بوده است.

وی ادامه داد: ترکیه امروزی که برآمده از فروپاشی عثمانی است مدعی سروری و ریاست همه سرزمین‌هایی است که از آسیای میانه تا کناره دریای سیاه به گویش‌های مختلف زبان ترکی تکلم می‌کنند، هرچند از نظر نژادی ترک نیستند. لذا ترکیه خود را محق می‌داند که چون زادگاه بوعلی در کشور ازبکستان است، آن را به خود منتسب کند؛ در حالی که هر دانشجوی تاریخ بر این مسئله واقف است که خود ترکیه نیز محصول ترک مخاصمه جنگ جهانی اول است و هویت جدیدش کمتر از یک قرن سابقه دارد.

آیت‌الله طه محمدی درباره واکنش بنیاد بوعلی سینا به دو مسئله مرتبط با این بنیاد در



به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد بوعلی سینا، آیت‌الله غیاث‌الدین طه محمدی، رئیس بنیاد بوعلی سینا با بیان اینکه هویت ایرانی شیخ‌الرئیس، چون آفتاب درخشان است و با تحریف و تغییر موزیانه نمی‌توان بوعلی و کارنامه علمی او را خارج از جغرافیای ایران دانست، گفت:

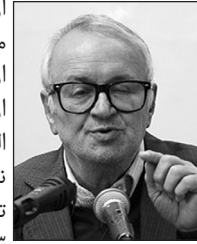
در روزهای اخیر در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی دو موضوع مرتبط با شیخ‌الرئیس، بوعلی سینا در عرصه داخلی و خارجی مطرح شد که با همت و حمایت افکار عمومی و علاقه‌مندان به میراث علمی کشور، واکنش‌های لازم به عمل آمد. وی حساسیت مثبت عامه مردم و بویژه اهل فضل و فرهنگ و اقشار دانشگاهی در دفاع از هویت ایرانی بوعلی سینا را ستود و گفت: متأسفانه در سال‌های اخیر بواسطه برخی تحریف‌های تاریخی، در یک مقطع ابن سینا را عرب معرفی کردند و از طرفی برخی کشورها مثل ترکیه نیز او را حکیم ترک می‌دانند؛ که بر اساس شواهد روشن تاریخی، هیچ وقت ابن سینا در طول عمر خویش در سرزمین اعراب و ترکیه حضور نداشته است.

آیت‌الله طه محمدی دلایل اعراب و ترکیه برای انتساب شیخ‌الرئیس به خود را واهی ذکر کرد و افزود: بوعلی کتاب‌های خود را در قرن چهارم به این دلیل به زبان عربی نوشته که زبان رسمی جهان اسلام بوده و تمام علوم برای مخاطبان به این زبان ارایه می‌شده است. این در حالی است که سیر مهاجرت بوعلی از شهر فارسی‌زبان بخارا تا گرگان و ری و اصفهان و همدان، همه و همه در

و غیبت کبری است و این در حقیقت پنهان شدن و روی برگرداندن از بشر است که بشر باید خودش خود را اصلاح کند، او با انسان مهربان و دلسوز است و برای مشکلات بشر اشک می‌ریزد اما بشر این زمینه را ندارد که او بیاید و عدالت را برقرار کند. یثربی در پاسخ به این پرسش که آیا غیبت قابل اثبات عقلی است؟ گفت: در اسلام ایمان براساس عقل است و ایمان یعنی پذیرفتن گزاره موجه و اینکه ما گزاره‌ای را می‌پذیریم که توجیه عقلی داشته باشد، بنابراین عقیده به وجود امام زمان (عج) چون از اصول دین است نه به عنوان امر غیرعقلانی که هیچ شیعه‌ای این را نگفته و نه به عنوان یک مطلبی که تنها نقل پشت آن است، بلکه باید با قدرت عقل اثبات شود و اگر از نقل هم استفاده می‌شود عقل باید آن استفاده را بکند.

وی در خصوص اشکالاتی که در خصوص امکان وقوع غیبت مطرح است، گفت: این اشکالات از زمان‌های قدیم مطرح شده است و به عمر حضرت نوح هم همین اشکالات بوده است. شاید در گذشته جواب این اشکالات دشوارتر از اکنون بود و امروز دانش ما هم از آن خبری ندارند، دانش که بیشتر متدین ما هم از آن خبری ندارند، دانش به ما گفته است این قوانین شناخته شده طبیعت قوانینی مطلق نیستند و این‌ها برآوردهایی بر اساس میانگین آماری‌اند یعنی از نظر میانگین آماری عمر بشر ۶۰ سال بود که الان ۸۰ شده و ممکن است در آینده بشود ۲۰۰ یا در برخی از شرایط ۱۰۰۰۰. بنابراین غیبت براساس در جهان تجربه با شرایطی ممکن هم هست.

به جای التماس ظهور شرایط را آماده کنیم



از ۳۱۳ نفر است، برای مدیریت جهانی ما نیازمند انسان و تحولات انسانی و از جمله وجود این تعداد نخبه است. از این جاست که معتقدم ما به جای التماس به حضرت مهدی (ع) که چرا نمی‌آیی باید برگشته و به فرهنگ و تربیت خودمان فشار بیاوریم که چرا ۳۱۳ نفر انسان شایسته نداریم. اگر این شرایط را فراهم کنیم غیبت محال است و به قول خواجه نصیرالدین طوسی، عامل اصلی غیبت امام زمان (عج) ما هستیم که انسان‌های شایسته‌ای نیستیم.

وی افزود: ما به جای التماس ظهور باید به زمینه ظهور و آماده کردن این زمینه تلاش کنیم و تمدن، فرهنگ، دینداری و نثار و ایثار را بالا ببریم تا حضرت شرایط را آماده ببیند و اگر آماده دید حتی یک ثانیه غفلت محال است، زیرا در ادای تکلیف به آن بزرگی غفلت یک ثانیه‌ای هم برای معصوم (ع) امکان ندارد. پس حضرت مهدی (ع) آرزوی آشکار و نهان همه انسان‌هاست که همان استقرار عدالت اجتماعی در سراسر جهان است اما تحقق آن نیازمند شرایطی است ما معمولاً به آن اهمیت نداده و می‌خواهیم به خودی خود تحقق یابد.

برای ظهور حضرت (عج) بیشتر باید به شرایط فکر کنیم

یثربی با بیان اینکه ما در دیگر موارد نیز چنین هستیم، گفت: ما می‌خواهیم قاچاق و اعتیاد نباشد، اما نمی‌خواهیم شرایط این خواسته را جور کنیم، جوان اگر کار، نشاط و درآمد داشته باشد معتاد و قاچاقچی نمی‌شود. با تحقق این شرایط اگر اعتیاد کلاً از میان نرود، بسیار کم خواهد شد، چنانچه در کشورهای پیشرفته کم است. برای

دکتر یحیی یثربی صاحب تفسیر روز و استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی (ره) در گفت‌وگو با ایکنا؛ در پاسخ به این پرسش که عدالت و مهدویت چه نسبتی با یکدیگر دارند، گفت: یکی از آرزوهای انسان زندگی در یک جامعه عادلانه است و این یک آرزوی فطری و وجدانی بوده و انسان‌های بی‌دین نیز به دنبال چنین جامعه‌ای می‌گردند. تحول سیاست در مغرب زمین در جستجوی عدالت و آزادی اجتماعی بوده اما معلوم است که مشکلاتی این تلاش‌های بشری دارد و هر گز نمی‌توان گفت کامل شده است و خود آنها قبول دارند که دموکراسی پر از اشکال است.

وی ادامه داد: در ادیان هم به عدالت توجه شده است و در اسلام نیز چنین توجهی شده و در مذهب شیعه یکی از اصول اعتقادی عدالت است و باید روزی باشد که عدالت به صورت جهانی تحقق پیدا کند. جهانی شدن شاید سابقاً برای ما مفهوم نبود، اما الان در سایه ارتباطات، جهانی شدن مسئله ساده‌ای شده و عدالت جهانی با ظهور حضرت به خوبی قابل دریافت و فهم است.

یثربی با بیان اینکه ظهور حضرت مهدی (ع) بنابر روایات ما موقوف و وابسته به پیدایش نوعی تکامل در جامعه بشری است، گفت: جامعه بشری برای قانونمندی، دموکراسی و عدالت نیازمند یک شرایط است و با زور نمی‌توان این کار را کرد، جامعه جهانی توأم با عدالت و آزادی بی‌تردید به شرایط سنگینی نیازمند است، از این رو گفته‌اند حضرت مهدی (ع) در انتظار پیدایش ۳۱۳ انسان نخبه و شایسته است.

این مفسر قرآن تصریح کرد: الان چند نفر دنیا را می‌گرداند، روسای جمهور دنیا را نگاه کنید کمتر

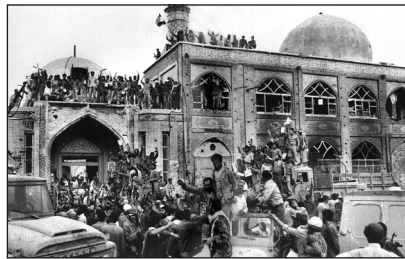
به مناسبت سوم خردادماه:

مسئولان اخلاق را جایگزین قدرت کنند؛ خرمشهر با خلوص رزمندگان فتح شد

این عملیات را بازی می‌کردند، همگان می‌گفتند که در این عملیات فراتر از دانش نظامی رخ داده و شاهد امداد غیبی، صبر الهی و لطف بودیم.

رزمندگان دوران دفاع مقدس تصریح کرد: در دوران دفاع مقدس، آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس و کشورهای عربی که روبروی ما بودند و ما بجز خداوند هیچ یار و یاورى نداشتیم. حتی شرایط خرید سیم خاردار برای مان وجود نداشت؛ چراکه شوری حاضر به فروش سیم خاردار نشد. با آن همه مشکلات در مقابل ابرقدرت‌های نظامی ایستادیم. در آن دوره اخلاص و یکرنگی بین همگان وجود داشت، بین همگان. همه صادقانه در فضایی که به فطرت‌مان برگشته بودیم، فارغ از اینکه کسی که در کنارمان قرار دارد، با چه رنگ و لباس و قومی است، به یک هدف می‌انديشیدیم، اما امروزه متأسفانه شاهد یک جنگ قدرت هستیم و همین امر مانع از اخلاق حسنه می‌شود. اخلاق اسلامی، چیزی است که برایش انقلاب کردیم و متأسفانه در این دوره کمرنگ شده است.

وی بیان کرد: متأسفانه برخی‌ها امروزه بیشتر به دنبال قدرت هستند. بازگشت به اخلاق آرمان ماست و اگر همه مسئولان، جناح‌های فکری و دست‌اندرکاران نظام، اخلاق را جایگزین قدرت کنند و قدرت‌شان را توأم با اخلاق کنند، قطعاً می‌توانیم بردشمن پیروز شویم. قدرت آمریکا و انگلیس و دیگر دشمنان، فراتر از آن زمان نیست و ما هم به طور قطع یقین قوی‌تر و قدرتمند از آن زمان هستیم، اما تنها شرطش این است که اخلاق را جایگزین قدرت است که راه اصلی ماست.



عملیات‌ها حضور داشته باشیم تا از نزدیک در صحنه‌های نبرد تجربه کسب کنیم. ما هم به عنوان یک ارتشی در کنار سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، جهاد و بسیاری از نهادهای ارگان‌ها در این عملیات شرکت کردیم. این عملیات یکی از بهترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس بود؛ چراکه همه با هراپیده و تفکر، اما با یک هدف کنار هم قرار گرفتند و با وحدت، صفا، صمیمیت و یکرنگی چنین پیروزی را رقم زدند.

منصوری ارانی ادامه داد: فضای یکی بودن‌ها، اخلاص، فضای معنوی، روحانی و عشقی که در دوران دفاع مقدس به‌ویژه عملیات آزادسازی خرمشهر شاهد بودیم، فوق تصور افراد است؛ چراکه با چنین روحیه‌ای در آن فضای خمپاره، توپ و آتش بهشتی را ایجاد کرده بودند که غیرقابل تکرار بود. لذت پیروزی خرمشهر تا پایان جنگ در میان رزمندگان احساس می‌شد.

وی بیان کرد: اخلاص و یکدل بودن رزمندگان یکی از دلایل آزادسازی خرمشهر بود. در این عملیات سربازان، بسیجیان، سپاهیان، ارتشیان، افسران با هراپیده و تفکر با اخلاص کنار هم قرار گرفتند تا این پیروزی را رقم بزنند، پیروزی که دنیا و دانشگاه‌های جنگ دنیا را متحیر کرد و زمانی که

ویران شده بود، جز جایی که سرباز نشسته بود. حتی صابونی که دست وی بوده نیز مورد اصابت ترکش قرار گرفته بود.

منصوری ارانی با اشاره به اهمیت عملیات آزادسازی فتح خرمشهر پس از عملیات فتح‌المبین انجام شد، گفت: پس از عملیات آزادسازی فتح خرمشهر، دشمن تا پایان جنگ آرام نگرفت و انگیزه‌اش بسیار پایین آمد. زمانی که دشمن خرمشهر را اشغال کرد، هرگز فکر نمی‌کرد که دوباره بتوانیم این شهر را آزاد کنیم به همین دلیل پس از آزادسازی خرمشهر، ستون فقرات ارتش عراق و صدام شکست و تا پایان جنگ نتوانست کمر راست کند.

وی ادامه داد: در آن دوره بسیاری از کشورها همچون روسیه، آلمان، انگلستان در کنار صدام بودند و به ارتش عراق کمک می‌کند ما فتح خرمشهر تمام این نقشه‌ها، تفکرات و رویاهای آن‌ها را از میان برد و با استراتژی مناسب توانستیم پیروز شویم.

رزمندگان دوران دفاع مقدس گفت: پس از آزادسازی خرمشهر دیگر دشمن به لحاظ روانی، قدرت رهبری نداشت و تا پایان جنگ بی‌انگیزه بود؛ چراکه طی این عملیات اسرای بسیاری را گرفتیم و نتایجی را که کسب کردیم، آن قدر فوق‌العاده بود که بسیاری از کشورها به ایران می‌آمدند تا ببینند چگونه چنین عملیاتی شکل گرفت؛ عملیاتی که این چنین نتایج فوق‌العاده‌ای به همراه داشت.

وی بیان کرد: در عملیات آزادسازی خرمشهر، دانشجوی دانشگاه افسری بودم و شهید صیاد شیرازی اعلام کردند که ما دانشجویان هم در

عباسعلی منصوری ارانی، نماینده سابق دوره نهم مجلس شورای اسلامی و یکی از رزمندگان عملیات آزادسازی فتح خرمشهر، در گفت‌وگو با خبرنگار ایکنا اظهار کرد: به فاصله کوتاهی بعد از پذیرفته شدن در دانشکده افسری، رژیم صدام حسین به خاک ایران اسلامی تجاوز کرد و جنگ تحمیلی آغاز شد. من اگرچه در جبهه نیز حضور داشتم، اما رسماً از اواخر سال ۱۳۶۱ و بعد از فارغ‌التحصیلی با درجه ستوان دومی در رسته توپخانه عازم مناطق عملیاتی شدم. رسته توپخانه قسمت خاصی در ارتش‌های جهان محسوب می‌شوند و من به دلیل تحصیلات ریاضی فیزیک وارد توپخانه شدم. لحظه لحظه‌های مقاومت ایران در مقابل حملات رژیم صدام حسین که از سوی آمریکا و شوروی مورد حمایت بود، خاطراتی است که هرگز از ذهن ایرانیان پاک نخواهد شد. تعداد زیادی از دوستان و همشهری‌های من در جبهه به شهادت رسیدند و من از آن‌ها درس‌های زیادی آموختم.

وی افزود: در میان خاطراتم از جنگ یادم است که در سال‌های میانی جنگ متوجه شدم یکی از نیروهای توپخانه، تنها فرزند و نان‌آور یک خانواده مستضعف در گنبد کاووس است. من علی‌رغم مقاومت این سرباز به وی دستور دادم که وسایلش را برای انتقال جمع‌آوری کند. آن سرباز برای استحمام به حمام صحرایی توپخانه رفت و بلافاصله ما مورد حمله هوایی قرار گرفتیم. توپخانه ما متحمل خسارات سنگینی شد و تعداد زیادی از رزمندگان ایرانی به شهادت رسیدند. بلافاصله بعد از پایان حمله پیگیر وضعیت آن سرباز شدم. وقتی به حمام صحرایی رسیدم، کل منطقه

ادامه از صفحه اول

۴۰ سال است که برای این هدف تلاش می‌کنیم و این همه شهید برای این هدف عالی تقدیم داشتیم؛ اما چقدر موفق شدیم. باید یک بازنگری و آسیب‌شناسی کارشناسانه و شجاعانه انجام دهیم. نارضایتی‌های مردم علنی شده، مشکلات مردم را می‌بینیم و با پوست و گوشتان لمس می‌کنیم. ناله‌هایشان را می‌شنویم؛ اما علل و عوامل آن را بررسی، آسیب‌شناسی و بازشناسی و از مردم عذرخواهی نمی‌کنیم و دنبال حل مشکلات نمی‌رویم.

باید به واقعیت‌ها و به عیوب خود توجه کنیم؛ گاهی هم برخی از حرف‌ها و عیب‌ها را انسان باید از دشمن بشنود و بیدار شود. حرف دشمن باید عامل بیداری و تنبیه باشد؛ نه عامل لجاجت و اصرار.

■ **جایگاه کشور را با گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
با ثروت و ظرفیتی که کشور و نظام جمهوری اسلامی از آن برخوردار است و با قدرتی که در اسلام و انقلاب نهفته است، می‌توانستیم در این مدت چهل ساله جمهوری اسلامی و کشورمان را از نظر اقتصادی و سیاسی به حد یک کشور ابرقدرت و از نظر فرهنگی و اسلامی به اوج اعلا برسانیم؛ ژاپن در جنگ بین‌المللی دوم در سال ۱۹۴۵ در اثر حمله شیمیائی آمریکا شکست خورد و تسلیم آمریکا شد و همه چیز خود را از دست داد و به خاک سیاه نشست؛ ولی با عقل و درایت خود را ساخت؛ در صورتی که ژاپن نه اسلام ما را داشت و نه قدرت انقلاب ما را و نه معادن نفت و گاز و نه ظرفیت‌های دیگری که کشور و نظام ما از آن برخوردار است. آیا ما نمی‌توانستیم با این ظرفیت‌های بالا در مدت ۴۰ سال با حفظ استقلال به آن‌جا و حتی فراتر از آن برسیم؟! آیا نباید آسیب‌شناسی و علت‌یابی کنیم؟! البته منظور این نیست که ما هیچ کاری انجام نداده‌ایم؛ کارهای بسیار بزرگ و عظیم داخلی و بین‌المللی بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی انجام گرفته که قابل توجه و شایسته ستایش و قدردانی است و نباید سیاه‌نمایی شود؛ ولی جان سخن ما این است که با قدرت و توان فوق‌العاده اسلام و انقلاب اسلامی و با ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی که کشور و نظام ما از آن برخوردار است، می‌توانستیم کارهای بسیار زیادت‌ر، مهم‌تر و اساسی‌تری در این ۴۰ سال انجام دهیم. یعنی آن‌چه انجام شده، با آن‌چه باید می‌شد، فاصله زیادی دارد.

■ **شرایط امروز انقلاب اسلامی ایران با پیش از تشکیل انقلاب اسلامی، چه تفاوت‌هایی دارد؟**
ما نباید امروزمان را با قبل از انقلاب و کشورهای کوچک هم جوارمان مقایسه کنیم و به آن راضی و خرسند شویم. قبل از انقلاب شرایط خاص خود را داشت؛ طاغوت حاکم بود نه اسلام؛ هرچه بود به نام طاغوت تمام می‌شد؛ نه به نام اسلام و دین و روحانیت. نظام ما بی‌بدیل و اسلامی است؛ ما انقلاب کردیم و یک کشور با ملت انقلابی و استثنایی هستیم؛ این همه شهید دادیم؛ ولی در عین حال اگر مقایسه کنیم، متأسفانه گاهی متوجه می‌شویم که برخی از کشورهای هم‌جوار در برخی امور از ما جلو زده‌اند؛ به خصوص از نظر اقتصاد و معیشت مردم.

ما عاشق این کشور، انقلاب، نظام و ولایت هستیم. قبل از انقلاب به زندان رفتیم و... و امروز هم این حرف‌ها را می‌زنیم تا به خود آییم و بپاییزیم و خانه‌تکانی کنیم.

منظور ما این نیست که بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی کاری انجام نگرفته؛ بلکه بسیار و بی‌شمار کار انجام گرفته؛ ولی مشکلات و نواقص زیادی هم داریم که می‌توانیم بسیاری از آن مشکلات را نداشته باشیم؛ می‌خواهیم بهتر از آن‌چه هستیم، باشیم. ما باید در جهان الگو و اسوه باشیم؛ از ملت

و کشورمان غم‌زدایی و فقرزدایی کنیم.

■ **تشکیل حکومتی دینی و حضور روحانیت در آن چگونه باید باشد؟**

به نام دین، حکومت تشکیل دادن اشکال ندارد؛ چراکه حکومت دینی بستر اقامه دین و ابزار هدایت مردم و اصلاح جامعه است و اگر حکومت دینی با این هدف تشکیل شود و در این مسیر حرکت کند و موفق هم باشد چه زیبا و مرحبا! حضور روحانیت نیز در چنین حکومتی گاهی از وظایف خواهد بود و در مسیر روحانیت، تعریف خواهد شد و در این حرفی نیست. حرف و نگرانی در این است این حکومت را چگونه اداره کنیم؛ عملکردها چگونه باشد که موجب نارضایتی و بدبینی مردم و فرار از دین و روحانیت نگردد؛ به نام دین خلاف شرع‌ها، خلاف اخلاق‌ها، گفتار و کردارهای خلاف عدالت و انصاف اتفاق نیفتد. ترس و نگرانی از نحوه عملکردهاست؛ نه از اصل حکومت دینی.

روحانیت پیوسته باید در کنار مردم و پناهگاه مردم باشد. اگر در حکومت هم باشد، باید مردم‌گرا باشد؛ نه حکومت‌گرا. پس در اسلام اصل بر مردم‌گرایی و مردم‌سالاری است؛ نه حکومت‌گرایی. برای تحقق چنین حکومتی، حاکمان (مدیران و مسئولان) آن به خصوص روحانیت خدمت‌گزار نخست باید خود را بسازند و تربیت کنند... و آن‌گاه به عرصه حکومت و ریاست پای نهند و بر کرسی خدمت‌گزاری بنشینند، نه ریاست.

■ **کارکردهای روحانیت امروز را با روحانیت قبل از انقلاب چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

روحانیت امروز نباید خود را با قبل از انقلاب مقایسه کند. قبل از انقلاب بستر حکومت غیر دینی بود و هر مصیبت، ناراحتی و نارضایتی، فقر، محرومیت و بی‌عدالتی برای مردم پیش می‌آمد، آن‌را از حکومت طاغوت و طاغوتیان و از حاکمان غیردینی و سکولار می‌دیدند و از آن‌ها بیزار و ناراضی و نسبت به آنان بدبین می‌شدند و به دین، اسلام و روحانیت روی می‌آوردند که ببینند و مردم را از این زجرها نجات دهند. روحانیت از این جهت راحت و آسوده خاطر بودند و محبوبیت پیدا می‌کردند؛ ولی اکنون در یک حکومت دینی هر مشکلی برای مردم پیش بیاید، آن را از چشم اسلام و روحانیت می‌بینند و از آن‌ها ناراضی و نسبت به آن‌ها بدبین می‌شوند.

امروز مسئولیت همه مسئولان و حاکمان به خصوص روحانیت بسیار سنگین است. شرایط امروز با شرایط قبل از انقلاب بسیار متفاوت است. قبل از انقلاب عملکرد سوء حکومت، موجب محبوبیت، مقبولیت و تبلیغ دین و روحانیت می‌شد و امروز اگر غفلت شود، نارضایتی و ناکارآمدی حکومت می‌تواند دین و روحانیت را از نظر مردم ساقط کند. دشمنان دین و روحانیت نیز همین را می‌خواهند و روی آن تبلیغات و سرمایه‌گذاری می‌کنند.

در کشور ما بعد از انقلاب، تحولات عظیمی اتفاق افتاده و کارهای بزرگ داخلی و بین‌المللی انجام

ناکارآمدی مسئولان، دین و روحانیت را از نظر مردم ساقط می‌کند

گرفته؛ ولی متأسفانه نواقص و مشکلات فراوانی نیز وجود دارد که موجب نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم شده است؛ معمولاً در چشم عامه مردم خوبی‌ها زیاد و سریع به چشم نمی‌آید؛ اما بدی‌ها و زشتی‌ها زود به چشم می‌خورد و به ذوق می‌زند و حساسیت، بدبینی و نارضایتی تولید می‌کند و این یک امر طبیعی است.

روحانیت و حکومت دینی لباس فاخر، زیبا، درخشان و سفید است و نباید لکه‌دار شود؛ لکه‌ها در روحانیت و در یک حکومت دینی گرچه بسیار کم و پراکنده باشد، چشم‌ها را می‌زند، ذوق‌ها را می‌کوبد و دل‌ها را می‌آزارد.

این است که تکلیف حاکمان و مسئولان نظام اسلامی به خصوص روحانیت در دوران بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی بسیار سنگین است و قابل مقایسه با شرایط قبل از انقلاب نیست.

■ **این‌که حضرت امام قدس سره فرمودند: حفظ نظام از اوجب واجبات است، به چه معناست؟**

حضرت امام قدس سره در ضرورت و وجوب حفظ نظام اسلامی جملاتی فرموده است که از مجموع آن‌ها یک قاعده فقهی انتزاع شده به نام «حفظ نظام اوجب واجبات است» و این یک حقیقت است؛ ولی منظور از آن چیست؟ تا کجا و در کجا جریان دارد؟ گاهی در برخی از امور و در تجویز برخی عملکردهای حراستی، حفاظتی و اطلاعاتی به این قاعده استناد می‌شود، حقیقت این قاعده چیست؟ در تبیین این قاعده مقدمه‌ای را مطرح و سپس به نتیجه نهایی می‌رسم: حکومت اسلامی که حفظ آن از اهم واجبات است، دو نوع موجودیت دارد؛ یا به عبارت دیگر از دو لایه تشکیل شده؛ یکی، لایه و یا موجودیت شکلی و قالب ظاهری که همان ارگان‌ها، قوا و دستگاه‌های کارگزاری و کارگزاران آن است و جمهوری اسلامی نامیده می‌شود. دومی هم محتوا و باطن نظام که اسلامی بودن، مشروعیت و مقبولیت آن را تضمین می‌کند: مانند عدالت، قداست و... بعد از آن که این مقدمه ذکر شد، به نتیجه نهایی می‌رسیم و آن این‌که اگر حفظ نظام از اوجب واجبات و اهم واجبات است، منظور کدام موجودیت و کدام لایه آن است؛ قهرراً هر دو موجودیت یک‌جا مورد نظر است؛ هم شکل ظاهری و قالب نظام اسلامی باید حفظ شود و هم محتوا و باطن آن که شرط مشروعیت نظام است.

نکته حساس این است که از نظر عقلی و شرعی، حفظ موجودیت لایه دوم یعنی عدالت و شرایط مشروعیت بسیار مهم‌تر از لایه اول؛ یعنی شکل و قالب آن است؛ زیرا مشروعیت نظام مشروط به وجود لایه دوم است؛ اگر لایه دوم از بین برود، لایه اول آن یعنی اصل نظام به خودی خود و به‌طور طبیعی از بین می‌رود و در حقیقت حکومت اسلامی متفی می‌شود و اگر هم مانده باشد شکل و اسکتی بیش نیست.

بنابراین سقوط حکومت دینی و اسلامی از دو

سیاست در اسلام اصل نیست؛ اصل در اسلام، دین و اخلاق است و سیاست جزء یکی از فروع دین و تابع اخلاق است و خود را باید با دین و اخلاق هماهنگ کند و به همین جهت علمای اسلام مسئله سیاست را معمولاً در کتب اخلاق آورده‌اند و علم سیاست را در علم اخلاق ادغام کرده‌اند؛ گفته‌اند که سیاست سه معنا و یا سه مرحله دارد:

۱. سیاست‌النفس: یعنی خودسازی، تزکیه و مدیریت نفس
۲. سیاست‌البیوت: یعنی تربیت اولاد و خانواده
۳. سیاست‌المدن: یعنی تربیت مردم، تدبیر و مدیریت جامعه

این تقسیم‌بندی و مرحله‌بندی معنا، اهداف و جایگاه سیاست را در اسلام به‌وضوح نشان می‌دهد و این است معنای صحیح سیاست و این‌که سیاست ما از دیانت ما جدا نیست و این‌که دین منهای سیاست درست نیست، به چه معناست، در این تقسیم‌بندی معنا و تعریف می‌شود و این نوع سیاست شایسته است که در حوزه‌های علمیه در درس اخلاق و سیاست تدریس شود و روحانیت با آن آراسته شوند و به مردم و جوانان آموزش دهند.

سیاست‌های جنجالی و غیراخلاقی، جناح‌بندی‌ها، دعاوها و محرکه‌گیری‌ها و... که اخلاق جامعه، منافع ملی و انسجام اجتماعی ما را به هم می‌ریزد و ما را به خود مشغول می‌سازد، داخل در مقوله سیاست دینی و اسلامی نیست و ضد دین و دیانت است، ورود این‌گونه بازی‌های گناه‌آلود و سیاست‌های غلط و تحریفی به حوزه‌های علمیه زهرآگین، نفاق‌انگیز و بازدارنده از رشد علمی و اخلاقی است و ورود روحانیت به عرصه این‌گونه بازی‌ها و سیاست‌های انحرافی به آن‌ها آسیب می‌زند.

اخلاق سیاسی و دین سیاسی جملات غلط و تحریفی است و صحیح‌ش سیاست اخلاقی و سیاست دینی است. این دو جمله هر دو از دو کلمه دین و سیاست یا اخلاق و سیاست ترکیب یافته؛ ولی جای کلمات جای‌جا شده و با جابه‌جا کردن جای کلمات، معنا از زمین تا آسمان تفاوت می‌کند و ضد هم می‌شود در جمله «دین سیاسی و اخلاق سیاسی» سیاست اصل و محور قرار گرفته دین و اخلاق تابع آن است و بالعکس.

جمله «حکومت دینی و دین حکومتی» نیز همین‌طور است؛ یعنی این‌که حکومت باید دینی باشد؛ نه این‌که دین حکومتی باشد. حکومت در اختیار دین باشد؛ نه دین در اختیار حکومت که تفاوت‌ها بسیار زیاد و قابل دقت و توجه است.

دکتر محمد نخب و نهضت اسلامی ایران

است؟ منظورم ملی یا مذهبی است؟

اگر به اسناد ساواک رجوع شود می‌بینیم که به نگرش گروه نخب توجه دارد و آنها را گروهی معرفی می‌کند که سیاست و اسلام را دو مطلب لاینفک می‌دانند و تحت عنوان ایدئولوژی سوسیالیسم مذهبی به فعالیت مشغول هستند و رهبری این دسته به عهده محمد نخب است و این افراد پشتیبان بازاریان و روحانیون به طور اخص می‌باشند. بنابراین باید گفت مرحوم نخب از آغاز فعالیت سیاسی اش با تأسیس نهضت خدایپرستان سوسیالیست و مبارزه در دوران نهضت ملی در حزب ایران و بعد حزب آزادی مردم ایران و سپس در نهضت مقاومت ملی و حتی در آمریکا به مبارزه بر ضد استعمار و استبداد زیر پرچم ایدئولوژی مذهبی و در راه ایجاد یک نظام اسلامی ادامه دارد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرد.

انگلیسی منتشر کرد و در نشریات مختلف فارسی زبانی که در آمریکا چاپ می‌شد دست به روشنگری زد و از اسلام راستین سخن گفت.

همین اقدامات نخب موجب جدایی بین جبهه ملی و سازمان دانشجویی شد؟

در آن ایام دکتر علی شایگان خود را میراث دار جبهه ملی در خارج از کشور می‌دانست و به دنبال تشکیل یک حزب و استراتژی واحد برای جبهه بود، اما نخب به گونه دیگری می‌اندیشید و به دنبال فعالیت گرایش‌های متعدد در درون سازمان جبهه بود و بر همین اساس تز سوسیالیسم مذهبی اش را به عنوان ایدئولوژی ملی گراها در خارج مطرح کرد و همین اختلاف فکری باعث جدایی بین جبهه ملی دکتر شایگان و سازمان دانشجویی شد.

به عقیده شما رویکرد مبارزاتی مرحوم نخب و نهضت اش به چه سمتی بوده

ادامه از صفحه اول

چرا پس از دستگیری نخب دیگر موفق به ملاقات او نشدید؟

نخب پس از دستگیری که اتفاقاً آقای دکتر علی شریعتمداری هم همراه ایشان بود، پس از دو ماه آزاد شد و فعالیتش را به صورت مخفی ادامه داد و در سال ۱۳۳۷ به نوعی به یک تبعید خود خواسته تن داد و برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. و البته آنجا هم دست از فعالیت سیاسی برنداشت و پس از اخذ مدرک دکتر از دانشگاه نیویورک با پرچم اسلام گرایی و در داخل گروه‌های جبهه ملی و سازمان‌های چپ گرایان مبارزه اش را ادامه داد. آن زمان که مصادف شده بود با ماجرای ۱۵ خرداد و آغاز نهضت امام خمینی، نخب به شدت از آن دفاع و پشتیبانی کرد. حتی پس از تبعید امام در اعتراض به اقدام رژیم شاه اعلامیه ای به زبان

در یکی از اوقات این ماه، در حال قرآن خواندن، در حالت دعا خواندن، در سحرماه رمضان و... خداوند متعال جلوه ای از این حضور را به او بچشاند. بایستی ذائقه ها آماده چشیدن طعم شیرین آن باشد. پیامبر اکرم (ص) با این تاکیدات به ما یادآور می شود که؛ به ضیافت مهمی دعوت شده اید و میهماندار خود خداست.

بنابراین سعی کنیم تا از حیث ظاهر و باطن خودمان را برای این میهمانی آراسته و مهیا کنیم. تا در صف روزه گران قرار بگیریم. با عنایت به این که در هنگام ورود و حضور یک جلودار داریم و در عصر ما امام جلودار صف میهمانان این ضیافت الهی است. در عرفه وقتی مشرف می شویم، امام عصر (ع) تنها یک نصف روز در بین واقفان حاضر هستند، اما در ماه رمضان سی شبانه روز تمام به همراه روزه داران در ضیافت الهی حضور دارند. از این فرصت باید برای یک سیرو سلوک استفاده کنیم، چرا که در کنار ولی خدا و یک انسان کامل قرار گرفته ایم. ادب اقتضا می کند این ماه از هرگاه کوچک و بزرگی دست بشوییم روح را از هرچه غیرواست پالوده و جلا دهیم.

در چنین حالتی به تاسی از معصوم و انسان کامل سیر کمال را در پیش گرفته و از فیوضات و برکات این ماه عزیز برخوردار خواهیم بود. کسانی که قصد آن دارند تا در این ماه سیر معنوی را از طریق مناسک ماه مبارک رمضان طی کنند لازم است نسبت به مناجات سحرها، قرائت ادعیه و به جا آوردن نوافل اهتمام جدی داشته باشند و خود را پشت سر امام مهدی (ع) بدانند و یقین داشته باشند که ایشان هر کجایی ممکن است حاضر باشند.

آثار اجتماعی این درک معنوی چیست؟

معنویت من را قانونمند و منضبط می کند. فکر تجاوز به دیگران، به اموالشان، به حیثیت شان، به آبرویشان، فکر تعدی به حقوق دیگران، فکر اقدام به عمل بد و غیره از انسان دور می شود. انسان خود را غرق در عالم معنا و در محضر الهی می یابد و به خود اجازه فکر تعدی به ممنوع را نمی دهد. روح معنویت انسان را به مسیر رشد و تعالی هدایت و به سماحت و بزرگی رهنمون می شود. در کارگاه انسان سازی رمضان افراد با بهره گیری از معنویت این ماه بزرگ مودب به ادب الهی و خیرخواه هموعان خود می شود و نسبت به آنان احساس شفقت و مهربانی پیدا می کند. اگر حقیقت ماه مبارک رمضان را درک کنیم و بدرستی وارد و از آن خارج شویم حداقل دستاورد آن اجتناب از آزار و اذیت دیگران بلکه مهرورزی نسبت به سایرین است. در همین راستا است بذل مال و اطعام و برپایی سفره های افطار و رسیدگی به فقرا و توجه به حال و روز مستمندان و همسایگان و... همچنین معنویت حاصل از این ماه انسان را وادی دارد تا نسبت به اصلاح رفتار خود بکوشد و به رعایت حقوق دیگران پایبند باشد. آثار اجتماعی معنویت گرای ابتدا در خانواده بروز یافته و به تدریج به جامعه سرایت داده می شود. بنابراین با قاطعیت می توان گفت ماه رمضان در صورت شناخت و رعایت روح حاکم بر مناسک و آداب آن در زدودن ناهنجاری ها و بزه های اجتماعی بسیار موثر خواهد بود. از این رو لازم است در منابر و از تربیون های عمومی مردم را با حقیقت ماه مبارک رمضان آشنا ساخته و به ترویج معنویت آن پرداخت. نتیجه قهری چنین اهتمامی رواج ملایمت با مردم، رعایت حقوق دیگران و رسیدگی به ضعفا و فقرا و... خواهد بود که می توان از آن ها به عنوان آثار اجتماعی معنویت ماه رمضان یاد کرد.

منبع: روزنامه ایران

ادب حضور لازمه ورود به ضیافت الله

ظهر این را از خداوند طلب می کند. مرحوم امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث جمله ای دارند که از آیات و روایات گرفته شده است. ایشان می فرمایند: «ای عزیز باید شبیه رسول الله شوی و این شدنی است». یعنی من، بنده خاکی می توانم شبیه رسول الله شوم؟... بله! می توانی چرا که؛ «فی رسول الله اسوه حسنه» رسول الله اسوه است. یعنی باید به او تاسی کنیم. البته هرکس در حد ظرف خودش، ظرف ما کوزه کوچکی است، ظرف رسول الله تمام اقیانوس های عظیم معرفت و قرب الهی را در برمی گیرد. خطبه رسول اکرم (ص) در آخرین جمعه ماه شعبان حاوی نکاتی است که اگر ما به آن نکات توجه کنیم، متوجه خواهیم شد که به کدام میهمانسرا قدم می گذاریم. به چه ضیافتی دعوت شدیم. اصلاً دعوت شدیم یا نه بی دعوت می رویم. دعوت را رسول امینی که واسط بین زمین و آسمان است ابلاغ کرده است. دعوت نامه از جانب خداست و در لسان وحی آمده است. «کتب علیکم الصیام». دعوت کتبی است.

حقیقت روزه داری چیست؟

صیام و روزه داری در ماهی که در آستانه ورود به آن هستیم یک حقیقت و یک باطنی و یک ظاهری دارد. ظاهر این است که از طلوع فجر باید امساک کنیم تا غروب یا مغرب - که یک اختلاف فقهی میان برادران اهل سنت و شیعیان است - این ظاهر روزه است. اما باطن روزه که بایستی به آن توجه داشت این است که ما در آغاز ماه مبارک رمضان وارد میهمانسرای باری تعالی می شویم. در وصف این میهمانسرا، شارع بزرگ آیین اسلام جمله ای دارد که می فرماید: قد اقبل علیکم شهر الله... به شما روی آورده ماه خدا! این ماه را ماه خدا نامیده است، حتی نه ماه رسول خدا یا ماه بندگان خدا، این ماه «شهر الله» است. حال بندگان دعوت شده اند تا وارد شهر الله شوند. بلکه «قد اقبل علیکم...» این ماه به شما روی آورده و الآن مقابل تان قرار گرفته است و در حال وارد شدن به آن هستید. ماهی که به تعبیر پیامبر اکرم (ص) «بالبرکه والرحمة والمغفرة» است. با خودش برکات می آورد. با خودش رحمت و مغفرت می آورد. آنقدر در غروب های ماه رمضان می بخشد که، فی من تمن علیه... خداوند منت می گذارد. پیامبر (ص)

تکاپوی شناخت برای دستیابی به عمق فلسفه تشریع مناسک ماه صیام، افق های گسترده ای را بر روی انسان می گشاید. افق هایی که به پهنه های آگاهی راه می برند و جان را سرشار از لذت دانستن می کنند. در راستای این تکاپو به حضور حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان رفته ایم و سوالات مان را با ایشان در میان گذاشته ایم تا برای آنها پاسخی بیابیم.

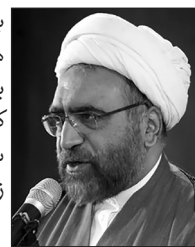
در آستانه ماه مبارک رمضان هستیم. بزرگترین اتفاق معنوی سال که انسان را مهیای قرب الهی می کند. گذشته از شرافت ذاتی این ماه، بعضی از وقایع خاص همچون شب قدر نیز بر شرافت ماه رمضان می افزاید. جهت آمادگی برای ورود به این ماه مبارک دعای امام سجاد (ع) در هنگام زوال هر ظهر ماه شعبان بهترین دستمایه است. امام سجاد (ع) در ابتدای دعا می فرماید: «خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درخت نبوت و جایگاه رسالت، محل آمد و شد فرشتگان، معدن دانش و خانواده وحی،... هر که به آنان توشل جوید ایمنی یابد، و هر که آن ها را رها کند غرق شود،... پناهگاه محکم و فریادرس بیچارگان درمانده، پناه گریختگان و دستاویز استوار برای چنگ اندازان، خدایا! دل ما را به طاعت آباد کن، و به نافرمانی از خود رسوایم مساز» و در ادامه می آموزد که به مدد آنچه از فضل بر من وسعت دادی و از عدلت بر من گستردی و مرا در سایه رحمت زنده داشتی، روزیم فرما به روزه داری و بیاداری عبادت در شب ها و روزهایش». آنگونه که از محتوای این دعا برمی آید آداب و شیوه رسول خدا (ص) این بوده است که ماه شعبان را روزه می گرفتند و روزه داری آن را به روزه داری ماه مبارک رمضان متصل می کردند. فَأَعِثْنَا عَلَى الْإِسْتِنَانِ بِشَيْئِهِ فِيهِ... بِذَابِ فِي صِيَامِهِ وَفِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ» پیامبر اکرم (ص) مأمور است که همه سال را به عبادت برخیزد، اما ماه شعبان را که ماهی متصل به ماه رمضان است، به قیام و صوم و بکاء و جذبه الهی می گذراند. امام سجاد (ع) به ما می آموزد تا از خدا بخواهیم که ما را هم کمک کند تا ما هم به سنت پیامبر مقید شویم، ماهم از سر میل و اشتیاق در ماه شعبان روزه بگیریم و در شب های آن بیدار شویم تا با آمادگی کامل وارد ماه مبارک رمضان شویم. هر روز هنگام

اثمه جماعات در مسائل سیاسی حضور پیدا کنند

بارز رهبری مطالعه زیاد ایشان است؛ هر کتابی که از سوی ناشران و مؤسسات برای ایشان ارسال می شود را تورق می کنند و تا به حال دیده نشده است که سخن از کتابی پیش آید و ایشان در آن زمینه اطلاعات نداشته باشند.

معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری اساسی ترین کار یک امام جماعت را طبابت معنوی دانست و مطرح کرد: روحانی باید طبیب روح مردم باشد و آن ها را به بهترین شکل هدایت و تربیت کند.

وی با اشاره به مطالبات رهبر معظم انقلاب در زمینه رونق دادن به مساجد خاطر نشان کرد: ائمه جماعت بدانند که علی رغم حضورشان در ابزارهای ارتباط جمعی باید عنایت ویژه ای به تبلیغ چهره به چهره و حضوری داشته باشند، زیرا این موضوع بسیار مهم است و می شود که گفت در زمینه تبلیغ بی بدیل است. حجت الاسلام والمسلمین مروی با بیان این که مسجد باید پایگاه همه کارهای نیک باشد، عنوان کرد: ۹۸ درصد شهدای دفاع مقدس اهل مسجد بوده اند، بر اساس این مسجد تنها کارکرد نماز ندارد، بلکه باید مرکزی برای خودسازی، انسان سازی، بصیرت افزایی و مواردی از این دست باشد.



خبرگزاری رسا: حجت الاسلام و المسلمین احمد مروی در گردهمایی ائمه جماعات استان قم که در سالن اجتماعات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برگزار شد، با اشاره به این که اگر جامعه در راه خداوند گام بردارد، نصرت الهی شامل اش خواهد شد، گفت: این موضوع در جریان آزادسازی خرمشهر به وضوح دیده شد و یاری خداوند بر هیچکس پوشیده نماند.

معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری با اشاره به این که مسجد مرکز تربیت انسان ها است، اظهار داشت: وجه این که معراج پیامبر اکرم (ص) از مسجد شروع شد این است که ما بدانیم اوج گیری معنوی انسان از مسجد شروع می شود و بهترین محل برای سعادت مند شدن مسجد است.

وی دانش و تقوا را شاه بیت کار روحانیت معرفی کرد و ابراز داشت: یک روحانی باید اهل مطالعه بوده و عالم به زمان باشد تا بتواند در عرصه تبلیغ دین و هدایتگری مردم نقش مؤثری را ایفا کند.

حجت الاسلام والمسلمین مروی بر ضرورت الگوبرداری ائمه جماعات از رفتار و گفتار رهبر معظم انقلاب تأکید و بیان کرد: یکی از خصوصیات

محسن وفایی

طی سال‌های گذشته آزارواذیت و برخورد با اقلیت‌ها، به‌ویژه مسلمانان در کشور آمریکا افزایش یافته است. بسیاری به‌درستی با مقایسه آمارهای سال‌های اخیر نتیجه می‌گیرند که سیاست‌های نژادپرستانه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور کنونی این کشور، نقش بسزایی در ایجاد موج جدید برخورد با مسلمانان داشته است. ممنوعیت ورود مسلمانان به خاک آمریکا آشکارا یکی از شعارهای تبلیغاتی دونالد ترامپ در دوران رقابت‌های انتخاباتی بود؛ وعده‌ای که خیلی زود و با ورود ترامپ به دفتر بیضی‌شکل کاخ سفید عملی شد. دونالد ترامپ تنها چند هفته پس از شروع به‌کار رسمی خود به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۸ (اول بهمن ۱۳۹۵)، فرمان اجرایی منع ورود شهروندان هفت کشور مسلمان ایران، سودان، سومالی، سوریه، یمن، لیبی و عراق به خاک آمریکا را صادر کرد. هرچند در ویرایش‌های بعدی و اصلاح‌شده این فرمان مهاجرتی، نام کشور عراق از این فهرست حذف و در عوض شهروندان کشورهای کره‌شمالی و ونزوئلا اضافه شدند، دیوان عالی آمریکا سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان و به‌رغم مخالفت‌های زیاد بین‌المللی در هفته‌های نخست آذر ماه ۹۶ رأی به اجرای کامل فرمان ضد‌مهاجرتی رئیس‌جمهور این کشور داد و وزارت امور خارجه این کشور نیز پس از کسب موافقت دیوان عالی، اجرای کامل این فرمان اجرایی ضد‌مهاجرتی را به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها ابلاغ کرد تا سازوکارهای لازم برای جلوگیری از ورود شهروندان ۶ کشور مسلمان به همراه برخی از شهروندان کره‌شمالی و ونزوئلا را ایجاد کنند.

نفرت شخصی یا ایده‌ای راهبردی؟

دونالد ترامپ مدعی شده که دلیل منع مهاجرت شهروندان کشورهای مسلمان به خاک آمریکا، «مبارزه با تروریسم و حفاظت از امنیت و آرامش» این کشور است. برخی نیز گرچه می‌پذیرند با روی‌کارآمدن ترامپ زمینه برای جولان گروه‌های

نشست تخصصی و رسانه‌ای «فلسطین، هفتادمین سال مقاومت برای آزادی» با حضور ناصر ابوشریف، نماینده جنبش مقاومت اسلامی و خالد قدومی، نماینده جنبش جهاد اسلامی حماس به مناسبت هفتادمین سال اشغال فلسطین، در جمعیت دفاع از ملت فلسطین تهران برگزار شد.

«ناصر ابوشریف» نماینده جنبش مقاومت اسلامی در این نشست، عنوان کرد: انگلستان باعث رشد جریان نکبت در فلسطین شده است و پس از آن جنبش صهیونیسم بود که به منظور پاکسازی قومی به آن دامن زد. شاهد مثال این سخن را می‌توانید در کتابی با عنوان پاکسازی نژادی «ایلان پاپه» مورخ یهودی اسرائیلی به خوبی مشاهده کنید.

ابوشریف: هدف از جابه‌جایی سفارت آمریکا احاطه کامل بر کل فلسطین است

نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران افزود: انگلستان با آهن و آتش سرزمین فلسطین را اشغال کرد و پس از آن سازمان ملل متحد بود که پوشش لازم را برای به وجود آمدن این رژیم تکمیل کرد. زمانی که سازمان ملل آن را تأیید کرد بعد از آن ما مشاهده کردیم که در سال ۱۹۶۷ میلادی، باقی اراضی فلسطین تحت عنوان شهرک‌سازی به اشغال صهیونیست‌ها درآمد. سپس شهر قدس از روند مذاکرات خارج شد و پس از آن پرونده حق بازگشت آوارگان و فلسطینی‌ها به سرزمین‌شان از دستور کار خارج شد.

حزب الله؛ خط بطلانی بر پروژه نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان

موسس اصلی مخوف‌ترین گروه تروریستی جهان یعنی داعش بوده و پیش از این نیز هیلاری کلینتون نیز اذعان کرده بود که آمریکا از ترس نفوذ اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان گروه طالبان را سازماندهی کرد که از درون آن القاعده رشد کرد. نکته جالب توجه این است که آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور هیولاسازی از مسلمانان و دین اسلام به اقدامات تروریستی گروه‌های اسلام‌گرایی استناد می‌کنند که خود برای پیش‌برد اهداف و منافع‌شان شکل داده‌اند و به عمد هیچ توجهی به گرایش‌های پیش‌رو در دنیای اسلام ندارند چراکه آنها در برابر سلطه‌گری‌ها و زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه ایستادگی می‌کنند. آمریکا سال‌هاست در جنگ تبلیغاتی خود تلاش می‌کند ایستادگی جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های مقاومت در منطقه در برابر سیاست‌های نابودگر خود را برچسب تروریسم بزند تا از این طریق تمام فشارها و تحریم‌های ظالمانه علیه آنها را برای مردم جامعه خود توجیه کند، مساله‌ای که تحت عنوان «اسلام‌هراسی» به آن اشاره شد.

حزب‌الله مخالف افراطی‌گرایی

پیروزی قاطع حزب‌الله و جریان‌های سیاسی نزدیک به آن در انتخابات پارلمانی اخیر لبنان از این نظر اهمیت دارد که حزب‌الله در شرایطی موفق به کسب رأی اعتماد گروه‌ها و فرقه‌های مختلف در لبنان شده که دولت آمریکا رسماً آن را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است و رسانه‌های غربی حزب‌الله و جمهوری اسلامی را متهم به فرقه‌گرایی و خشونت‌طلبی می‌کند. در واقع انتخابات پارلمانی لبنان و پیروزی حزب‌الله به منزله شکست این پروژه آمریکا محسوب می‌شود چراکه حزب‌الله و سیدحسین نصرالله نشان داده‌اند که نه فقط اهل افراط‌گرایی مذهبی نیستند بلکه به دنبال محافظت لبنان از تروریسم و افراط‌گرایی و جنگ و خونریزی فرقه‌ای هستند. لبنانی‌ها سیدحسین نصرالله را حامل تفکر اسلام ناب محمدی می‌دانند که به ایمان، محبت، امنیت و تمام ارزش‌های دینی، مردم را دعوت می‌کند و مردی است که هر چه بر زبان می‌راند به آن عمل می‌کند. اگر حزب‌الله نبود، این امنیت و صلحی که لبنان امروز دارد نبود و حتی برگزاری این انتخابات هم امکان‌پذیر نمی‌شد.

نشان می‌دهد. برخلاف «اسلام‌هراسی فردی»، سیاست‌ها و مواضع «اسلام‌هراسی ساختاری»، به شکلی راهبردی، صرف‌نظر از رفت‌وآمد دولت‌های مختلف در پی منافع کلیت ساختار سیاسی آمریکا در حوزه داخلی و بین‌المللی است، بنابراین گرچه از اساس رویکردی غیرعقلانی است اما اغلب ریشه و منشأ اسلام‌هراسی ساختاری را انگیزه‌های عقلانی و هدفمند شکل می‌دهند.

مسئول کشتارهای جمعی در آمریکا کیست؟

رسانه‌ها و دولت‌های آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا هویت مسلمان‌ها و اقلیت‌ها در جوامع غربی را به تروریسم و خشونت پیوند دهند و از این طریق خشونت‌های نهادینه و سازمان‌یافته علیه مسلمانان در داخل و خارج خاک آمریکا توجیه کنند، اما آمارها و داده‌های رسمی درخصوص حمله‌های تروریستی و کشتارهای جمعی خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. نشریه «نیوزویک» در دهم اکتبر ۲۰۱۷ در گزارشی پس از تیراندازی مرگبار پاییز سال گذشته در لاس‌وگاس که منجر به مرگ ۶۰ نفر و زخمی شدن ۵۲۷ نفر، با استناد به آمارهای رسمی تاریخ کشتارهای جمعی در آمریکا شد را بررسی کرد. یافته‌های «نیوزویک» نشان می‌داد که از سال ۱۹۸۲، بخش زیادی از تیراندازی‌های مرگبار، نزدیک به ۵۵ درصد، در آمریکا را خود شهروندان آمریکایی انجام داده‌اند و تنها ۱۶ درصد این حوادث را اقلیت‌های قومی و مذهبی مرتکب شده‌اند.

موسس مخوف‌ترین گروه تروریستی جهان

گرچه قوانین حمل سلاح و تیراندازی‌های مرگبار و خشونت‌های روزانه در آمریکا هم‌اکنون به یک معضل جدی تبدیل شده است اما مقامات آمریکایی همچنان تلاش می‌کنند تا ناآرامی جامعه خود را به اقلیت‌ها و به‌خصوص مسلمانان نسبت دهند، ادعایی که گزارش نشریه «نیوزویک» نیز نشان می‌دهد هیچ مابه‌ازایی در دنیای واقعی ندارد و تجربه نشان می‌دهد هر جا که گروهی تروریستی شکل گرفته بدون شک سازمان‌های امنیتی آمریکا و متحدانش در شکل‌گیری آن نقش اساسی داشته‌اند، همچنان‌که در رقابت‌های انتخاباتی آمریکا، دونالد ترامپ برای رسواکردن رقیب دموکرات خود فاش کرد که دولت او با

نژادپرست و اسلام‌ستیز در آمریکا فراهم شده است، اما تأکید می‌کنند که ریشه خشونت کور و بی‌زاری غیرعقلانی علیه مسلمانان در آمریکا را باید حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دانست. حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به آمریکا منشأ اصلی خشونت علیه مسلمانان و نگرش منفی آمریکایی‌ها به اسلام معرفی می‌شود که در پی گستردگی این پدیده در آمریکا و کشورهای مختلف اروپایی از آن به‌عنوان «اسلام‌هراسی» یاد می‌کنند.

پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی آمریکایی

گفته می‌شود که نخستین کاربرد اصطلاح «اسلام‌هراسی» به اواخر دهه ۸۰ میلادی برمی‌گردد اما پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در رسانه‌ها به شکلی گسترده و روزافزون استفاده می‌شود. در کل اسلام‌هراسی بر این فرض پایه‌گذاری شده که دنیای اسلام از اساس خشونت‌طلب، بیگانه و غیرتعاملی است و از این عقیده نیرو می‌گیرد که «هویت مسلمانی» تمایل به اقدامات تروریستی دارد. بسیاری اما این تعریف از «اسلام‌هراسی» را که بیشترین کاربرد در رسانه‌های جمعی دارد، ناکافی و گمراه‌کننده می‌دانند چراکه در تعاریف مذکور تمام خشونت‌ها و جنایت‌ها علیه مسلمانان را به روانشناسی افراد مهاجم تقلیل می‌دهند.

«خالد بیدون» نظریه‌پرداز و استاد حقوق دانشگاه «دیترویت مرسی» و پژوهشگر ارشد «پروژه مستندسازی و پژوهش اسلام‌هراسی» دانشگاه برکلی آمریکا در تلاش برای درک جامع پدیده اسلام‌هراسی در مطلبی با عنوان «بازتعریف اسلام‌هراسی» سه وجه متفاوت اسلام‌هراسی یعنی فردی، ساختاری و دیالکتیکی را از هم متمایز می‌کند. به گفته «خالد بیدون»، اسلام‌هراسی بسیار فراتر از «ترس و نفرت از مسلمانان» یا «هراس یا تنفر» از یک عقیده و پیروانش است، در واقع چنین تعاریفی صرفاً کینه و نفرت غیرعقلانی اشخاص یا بخش‌های خصوصی علیه اسلام را در بر می‌گیرد، در حالی که نقش دولت و شبکه گسترده سازمان‌ها و عاملانش و همچنین سیاست‌های دولتی را به‌کل نادیده می‌گیرد.

«بیدون» در مقابل اصطلاح «اسلام‌هراسی ساختاری» را برای توصیف ترس و کینه‌نهادهای دولتی به‌کار می‌گیرد؛ این ترس و خصومت خود را از طریق تصویب و ارائه قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها یا اظهارات رسمی دولتمردان

از مرزهای ساختگی اسرائیل عبور خواهیم کرد

شد. موضوعی که قرآن کریم هم به صراحت در خصوص طغیان بیان داشته است. اکنون اسرائیل بر سر یک نیزه‌ای دو لبه قرار گرفته است که هر چه بالاتر می‌رود با خطر سقوط بیشتری مواجه می‌شود.

خالد قدومی: امروز ملت ما می‌تواند تاریخ را به نام خود رقم بزند

از سویی دیگر: «خالد قدومی» نماینده جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در تهران با اشاره به اشغالگری رژیم صهیونیستی، عنوان کرد: امروز یک روز سرنوشت‌ساز برای مردم فلسطین است و امروز روزی است که ملت ما می‌تواند تاریخ را به نام خودش رقم بزند و در سرزمینی که متعلق به آن است بماند. راهپیمایی‌های گسترده مردم فلسطین نیز حکایت از این مسأله دارد که می‌خواهند حق را که در این سال‌ها از آنها گرفته شده است را پس بگیرند و آزادانه در سرزمینی که متعلق به آنهاست زندگی کنند.

نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین ادامه داد: امروز ملت ما به خیره‌سری‌های آمریکا و اسرائیل پایان خواهند داد و از این مرزهای تصنعی که اسرائیل با فتنس و سیم‌های خاردار ایجاد کرده است عبور خواهند کرد. در این روز شاهد راهپیمایی‌های بازگشت هستیم. مردم فلسطین یک حماسه بزرگ را رقم خواهند زد. در طول یک ماه گذشته بیش از ۵۰ شهید و نزدیک به هزار مجروح داشته‌ایم.

وی ادامه داد: هشت و نیم میلیون نفر از

مردم فلسطین آواره هستند و متأسفانه با تصمیم جدید آقای ترامپ مبنی بر انتقال سفارت از تل آویو به قدس یک جنایتی تازه به وقوع پیوست. صهیونیست‌ها با استفاده از سلاح‌های ممنوعه که با اسابتش به بدن جوانان فلسطینی شاهد پودر شدن استخوان‌های آنها می‌شود استفاده می‌کند سلاح‌هایی که از نظر قوانین بین‌المللی استفاده از آنها ممنوع است. متأسفانه گویا جهان پذیرفته است که اسرائیل بکشد تا زنده بماند.

خالد قدومی در پاسخ به این سؤال که چرا بردن سفارت آمریکا به قدس با اعتراض کشورهای عربی همراه نشده است به «صبح نو»، گفت: در پی تصمیم ترامپ حتی یک سفیر در کشورهای عربی فرا خوانده نشد و حتی اخباری مبنی بر حضور برخی سران عربی در جشن قدس که صهیونیست‌ها به راه انداختند شنیده می‌شود. موضوع فلسطین باید در سطح بین‌المللی دنبال شود و همانگونه که فشارهای سازمان‌های بین‌المللی باعث شد که سلاح‌های کمتری به جنگ یمن و ائتلاف مهاجمان ارسال شود می‌توان شاهد نتایجی هم در باره فلسطین بود.

وی، افزود: ما مرزهای ساختگی اسرائیل را قبول نداریم. کل این سرزمین به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد است. ملت فلسطین مثل همه کشورها خواهان امنیت و آرامش است. اما در عین حال نمی‌تواند مثل یک بنده باشد بلکه می‌خواهد آزاد باشد.

شیعه و سنی با جریان های الحادی و انحرافی مقابله کنند

حجت الاسلام عسگر فعال آذر در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره علامه فقید اهل سنت ارومیه که در بخش صومای برادوست ارومیه برگزار شد، اظهار داشت: گروههای انحرافی، سلفی، داعش و وهابی در شرایط حاضر به نام اسلام در مبارزه با اهل سنت و تشیع هستند که مسلمانان، روحانیان و علمای اهل سنت و تشیع باید در برابر آنها ایستادگی و مقاومت کنند و پاسخگوی شبهات باشند.

وی افزود: سلفی ها و تکفیری ها با جنایت های ظالمانه و غیرانسانی به کشتار مردم بی گناه و مظلوم می پردازند و مردم مسلمان اعم از تشیع و تسنن را قتل عام می کنند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت استان در ادامه سخنان خود به ویژگی های شخصیتی این عالم برجسته اهل سنت اشاره و تصریح کرد: سید ملاجلال الدین انصاری (ره) در ترویج دین اسلام و سنت پیامبر تلاش های فروانی داشتند.

وی افزود: ملانصاری با تربیت علمای بزرگی در منطقه صومای برادوست نقش بزرگی در این منطقه داشت.

امام جمعه اهل سنت ارومیه نیز طی سخنانی گفت: سید ملاجلال الدین انصاری عالم و عارف معاصر و احیاگر علوم اسلامی در مناطق کردنشین بود که تمام عمر خود را صرف خدمت به ترویج دین، خدمت گزاری و پرورش علما کرد.

ماموستا عبدالقادر بیضاوی اضافه کرد: آوازه علم و دانش این عالم ربانی که اسوه تقوا و زهد و پرهیزکاری و جهاد بود، زبانزد خاص و عام بوده و هست.

وی افزود: علامه ملاجلال الدین، دانشمندان بی همتا و شاگردان زیادی به جامعه اسلامی تحویل داده است.

سید ملاجلال الدین انصاری در حوالی سال های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۵ هجری شمسی در روستای حسن آباد در بخش صومای برادوست از توابع شهرستان ارومیه، در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی دارفانی را وداع گفت.

و تشویق رفتارهای ظالمانه آنهاست.

وی خاطرنشان کرد: البته ملت مسلمان و انقلابی ایران بیش از پیش هوشیارانه آنچه در فلسطین اتفاق می افتد را تحت نظر دارند و جبهه مقاومت بیش از پیش تقویت خواهد شد و مردان مجاهد، مبارز و آگاه در اقصی نقاط جهان بیدار هستند و آنچه در سرزمین های اشغالی اتفاق می افتد را رصد می کنند و مسلما انتقام خون مردم مظلوم فلسطین را خواهند گرفت.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در پایان تاکید کرد: ما با صدای رسا اعلام می کنیم آنچه امروز در فلسطین در حال انجام است اعمال ضد بشری و ضد موازین بین المللی و یک جنایت آشکار و دهن کجی به مسلمانان است که ما بشدت آن را محکوم می کنیم و امیدواریم این اتفاقات باعث بیداری بیش از پیش عموم مسلمانان به ویژه نسل جوان شود تا با بصیرت همه ظرفیت خود را در مقابله با اشغالگری و تجاوزها و بی رحمی های صهیونیسم بین الملل به کار گیرند و همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند: «مسلمانان نماز جمعه و جماعات را در قدس شریف خواهند خواند.»

حضرت آیت الله سبحانی:

فقه مقارن به تقریب مذاهب کمک می کند

حضرت آیت الله سبحانی تصریح کردند: در این کتب گاهی فقط به بیان اختلافات می پردازند ولی گاهی در آن قضاوت می کنند که به آن فقه المقارن گویند؛ قضاوت و داوری یک علم برتر و بالاتر است.

الشیعه فی فقه المقارن چیست!

این مرجع تقلید بیان کردند: ابن ابی عقیل متوفی ۳۴۰ است که کتاب ایشان در دسترس ما نیست؛ کتاب ابن جنید نیز در اختیار ما نیست ولی اولین کسی که اختلافات فقها را به صورت فقه مقارن نوشته است، مرحوم شیخ المفید است؛ دومین عالمی که اینکار را انجام داده است شاگرد ایشان مرحوم سید مرتضی است؛ ایشان ۳۴۴ مساله را در کتاب خود مطرح کرده و به این نتیجه رسیده است که در ۲۵۲ مساله اتفاق آرا است؛ ایشان آرای مختلف و متحد را جمع آوری کرده است؛ ایشان کتابی به عنوان اخلاف فی الفقه تالیف کرده است که متاسفانه در دسترس نیست.

ایشان بیان کردند: شیخ طوسی با کتاب خلاف خود سومین شخصی بودند که در این زمینه گام برداشتند؛ اگر کتاب سید مرتضی در دسترس بود میزان استفاده ایشان از کتاب استادشان مشخص می شد؛ مرحوم آیت الله العظمی بروجردی با زحمت فراوان کتاب خلاف را یافت و منتشر کرد؛ در نشست علمی با علمای مصر این مطلب بیان شد که مطالب شیخ طوسی در خصوص نقل اخبار ائمه اربعه مورد تصدیق است.

ایشان گفتند: سید رضی نیز چنین کتابی تالیف کرده است که به نظر می رسد که حاشیه ای بر کتاب بردار گرامی شان است؛ منه المطلب علامه حلی اخیرا در ۱۶ جلد چاپ شده است که از عجایب است ولی متاسفانه عمر ایشان به پایان فقه نرسید؛ تذکره الفقهای علامه در ۲۰ جلد منتشر شده است که این کتاب نیز از عجایب است؛ اگر بخواهیم تقریر فقهی را انجام دهیم باید بر طبق این کتاب از علامه حلی عمل کنیم؛ ایشان توانسته است در این کتاب آرا را بیاورد و نوعی داوری کند و برای هر امامی استدلال می آورد و مقایسه می کند.

حضرت آیت الله سبحانی تصریح کردند: کتاب

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع). ابنا. حضرت آیت الله سبحانی در آیین اختتامیه کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی در قم گفتند: ملت ها در انتظار معرفی توسط دیگران نیستند و خود، سعی می کنند که خود را معرفی کنند.

ایشان بیان کردند: اگر خود را معرفی نکنیم، در حق خود ستم کرده ایم؛ پنهان ماندن خدمات شیعه، جای شک نیست؛ شیعه و سنی نسبت به علوم اسلامی خدمات گسترده ای انجام دادند، ولی خدمات شیعه آنچنان که باید و شاید آشکار نشده است؛ این مساله در اعصار گذشته نیز به همین شکل بوده است. ایشان گفتند: نجاشی بیان می کند که شریف مرتضی به من امر کرد که گاهی می گویند که شیعیان خود را معرفی کنید؛ رجال نجاشی در واقع رجال نیست، بلکه فهرست است و در عین حال خدمات شیعه را نیز معرفی کرده است.

حضرت آیت الله سبحانی تصریح کردند: از این فهرست نویسی می توان فهمید که این نوع اختفا در قرن چهارم نیز بوده است؛ جرجی زیدان نیز در کتاب خود حق شیعه را نادیده گرفته است؛ البته شاید این فرد قاصر بوده است زیرا ما نتوانستیم خود را به خوبی معرفی کنیم.

این مرجع تقلید بیان کردند: مرحوم آیت الله سید حسن صدر، با نوشتن کتاب تاسیس الشیعه لفنون الاسلام گوشه ای از این اشکال را جواب داد؛ سپس مرحوم آقابزرگ تهران الذریعه را نوشت و قرار شد که کتب شیعه را معرفی کند؛ علامه محسن امین نیز به همین گونه این خدمت را عرضه کرد و ما نیز خوشحال هستیم چنین کنگره ای در معرفی خدمات شیعه انجام گرفته است؛ مسلما باید آثار این کنگره منتشر شود و منحصر به این نقطه نباشد.

ایشان گفتند: عقیده به کلام مرتبط است و شریعت نیز به فقط؛ یکی از انواع فقه، شناخت خلاف علما است؛ مساله اختلاف انظار علما در کتبی جمع شده است؛ ۱۰ کتاب در اهل سنت در این زمینه نوشته شده است؛ اختلاف فقها طبری، ابن منزل با سه کتاب و.. در ازمه متعدد توسط اهل سنت نوشته شده است.

واکنش رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی به انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس

سکوت مدعیان حقوق بشر و حکام کشورهای اسلامی خیانتی بزرگ است

جنایات را خیانت در حق مسلمانان و مردم فلسطین عنوان کرد و بیان داشت: حکام کشورهای اسلامی منطقه جوری نسبت به این قضیه مهم و فاجعه بار که دل هرانسانی را به درد می آورد، سکوت اختیار کردند که انگار هیچ حادثه ای رخ نداده و یادشان رفته است که این مردم مظلوم برای دفاع از حیات ملی و دینی خودشان قیام کردند و حق دفاع از قلمرو سرزمینی خودشان را دارند و در برابر صهیونیست های غارتگر و متجاوز ایستادند و مطالبه بازگشت به سرزمین خود را دارند.

استاد حوزه و دانشگاه خطاب به حکام کشورهای اسلامی تصریح کرد: چه جرم و خیانت و جنایتی بالاتر از این اعمال ضد انسانی که در روزهای اخیر از رژیم منهوس و کودک کش مشاهده کردیم. پس چرا در برابر آن بی تفاوت هستید؟ این اقدام شما نشان می دهد که در این جنایت با رژیم صهیونیستی شریک هستید و در راستای تامین منافع استیکار جهانی و صهیونیسم بین الملل حرکت می کنید و از مسیر کتاب و سنت و قوانین مسلم اسلامی عدول کرده اند و با نادیده گرفتن آیات جهاد و دفاع از مظلومین و محرومین که در قرآن به صراحت آمده و ایستادگی در برابر ظالمان



حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین مختاری؛ رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی و استاد سطوح عالی حوزه و دانشگاه ضمن محکومیت انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس و جنایات وحشیانه و ضد بشری صهیونیست ها در کشتار مردم بی گناه و بی دفاع فلسطین از سکوت مدعیان

دروغین حقوق بشر و کشورهای مرتجع اسلامی و عربی در قبال این اتفاقات انتقاد کرد.

وی با اشاره به این که آنچه در روزهای اخیر توسط رژیم غاصب، جنایتکار و کودک کش صهیونیستی رخ داد قلوب همه مسلمین جهان را جریحه دار ساخت، گفت: البته از یک رژیم منهوس، ظالم و نامشروع چنین حوادث و رویدادهای ضد انسانی و ضد حقوق بشری دور از انتظار نیست.

آقای مختاری افزود: متاسفانه با این که دهها تن از مردم مسلمان، کودک و پیر، زن و مرد توسط رژیم غاصب به خاک و خون کشیده اما طرفداران و مدعیان حقوق بشر سکوت کردند و جای تعجب و تاسف دارد که چگونه نسبت به این فاجعه انسانی که اتفاق افتاد بی تفاوت ماندند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی سکوت حکام کشورهای اسلامی و عرب منطقه در برابر این

نشان دادند که اعتقادی به این مبانی دینی و اسلامی ندارند.

آقای مختاری یاد آور شد: البته اتفاقات اخیر برای مردم مسلمان و مقاوم فلسطین یک پیروزی است و نصرت نزدیک فلسطینیان را نوید می دهد و نشان از سقوط و اضمحلال پایه های حاکمیت تجاوز و غارت و اشغالگری است که به لطف الهی پرچم اسلام، آزادی و لاله الا الله به زودی در سرزمین های اشغالی به اهتزاز درخواهد آمد.

وی همچنین با محکومیت انتقال سفارت آمریکای جنایتکار به بیت المقدس آن را بی اعتنایی به حقوق حقه مردم فلسطین و دهن کجی به مسلمانان و تجاوز به حقوق مسلم فلسطینیان و خلاف مقررات و موازین بین المللی و شورای امنیت و برخلاف اخلاق و رفتارهای انسانی عنوان کرد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با اشاره به این که مردم فلسطین حق بازگشت به سرزمین خود را دارند، گفت: حق آزادی و احترام به حقوق ملی و سرزمینی یکی از مطالبات جدی مردم فلسطین و یک امر بین است و لذا انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس خلاف موازین و مقررات بین المللی است که توسط مدعیان حقوق بشر در کشورهای غربی نادیده گرفته شد و سکوت آنها جنایت بزرگتری است زیرا همراهی با ظالمان در واقع تایید، تهییج

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفانیه) / نبش ممتاز
تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

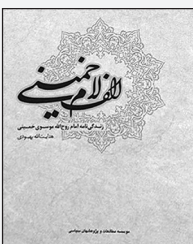
مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org
کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
در دسترس می‌باشد

معرفی کتاب الف لام خمینی



کتاب «الف لام خمینی» زندگی‌نامه امام روح‌الله موسوی خمینی، اثر هدایت‌الله بهبودی است که چاپ دوم آن در ۱۱۵۷ صفحه با شمارگان دو هزار و ۵۰۰ نسخه به

بهای ۶۰ هزار تومان در سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی عرضه شد و مورد استقبال مشتاقان به زندگی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی قرار گرفت.

در لایه‌های سطرهای این کتاب که بی‌اغراق هر جمله‌ای از آن متکی به سندی معتبر است، می‌توان سیری در زمانه و زندگی فرزانه بی‌همتایی کرد که در اوضاع و احوال بسیار سخت سیاسی، نهال انقلاب را کاشت و با درایت و دلسوزانه آن را از گزند طوفان‌ها و حوادث روزگار حفظ کرد، تا امروز تبدیل به درختی تنومند با ریشه‌هایی استوار شود. هدایت‌الله بهبودی نویسنده خوش‌نام کتاب «شرح اسم» این بار نیز با رویکردی خلاقانه ابعاد از زندگی امام خمینی (ره) را برای مخاطبان آشکار می‌سازد و روایت می‌کند.

«الف لام خمینی» در ۱۸ منزلگاه با عنوان‌های «خاندان»، «تولد، کودکی، تحصیلات آغازین»، «دو زایش تاریخی»، «زیر سقف سرکوب»، «بر سقف سرکوب»، «پا در میدان مبارزه»، «میدان خونین مبارزه»، «زندان»، «راه بی‌ بازگشت»، «داد استقلال و ستد»، «تبعید»، «تبعیدگاه دوم»، «دیدهبانی در تبعید»، «به افق امید»، «در کمین زمان»، «آغاز پایان»، «هجرت» و «بازگشت» زندگی و زمانه روح‌الله موسوی خمینی را به گونه‌ای جذاب به تصویر می‌کشد.

بهبودی همچنین درباره محور مباحث و انتخاب نام کتاب، در مقدمه کتابش می‌نویسد: «این اثر بازتابنده همه جهات و اضلاع نهضت اسلامی ایران نیست و با این رویکرد فراهم نشده است، چراکه هدف نویسنده پی‌جویی زندگی امام خمینی بوده، اما به فراخور حوادث رفته بر او، یا رخدادهایی که همو پدیدآورنده‌اش بوده، از زمینه‌ها و اتفاقات مربوطه یاد شده است. با وجود یکسان نبودن داده‌ها در دوره‌های گوناگون، در نگهداری توازن بین زندگی و زمانه شخصیت کتاب کوشیدم، اما این برابری در برخی مقاطع، همچون دوره حضور امام خمینی در پاریس، سبک و سنگین شده است. نزدیک به نیمی از مطالب شش جلد اول صحیفه امام، مربوط به این دوره بسیار کوتاه، اما مهم است.

در حق علامه جعفری کوتاهی شده است

نمی‌کنیم و تنها بر روی متفکران غربی تکیه می‌کنیم.



در ادامه مهدی گلشنی عنوان کرد: به عقیده من هر کاری در مورد علامه انجام شود کم است. مقام معظم رهبری نیز در دیداری که با ایشان داشتیم فرمودند درباره علامه

کوتاهی شده است. علامه جعفری ویژگی‌های کم یابی داشتند و کارهایی کرده‌اند که در زمان خود نوآوری بوده است. مثلاً هشدارهای ایشان به حوزه علمیه قم مبنی بر توجه به مقتضیات زمان خیلی آینده‌نگرانه و جامع‌نگرانه بود. حوزه علمیه ما در حال حاضر مثل علامه جعفری مثل شهید صدر و مثل شهید مطهری متناسب با زمان فعالیت نمی‌کند. این کتاب دکتر نصری هم از این جهت مهم است. علامه جعفری در نجف اعلام کردند که علوم جدید باید به فلسفه و حوزه علمیه وارد شود. علامه جعفری زمانی تألیف کتاب «ارتباط انسان و جهان» را شروع کردند که در جهان اسلام کسی به این مسأله فکر نمی‌کرد. در آن زمان در جهان اسلام همه متأثر از پوزیتیویسم و مارکسیسم بودند. استاد دانشگاه صنعتی شریف در ادامه افزود:

چند سال پیش در سمناری در پاکستان بودم که درباره سلول‌های بنیادی بود. شخصی آن جا درباره مناقشات سلول‌های بنیادی با دین مسیحیت سخنرانی کرد. اما درباره دیدگاه اسلام نسبت به این زمینه کسی را نداریم که کار کرده باشد. علامه جعفری وارد بحث حاکم بودن شانس بر جهان که در فیزیک مطرح است نیز شدند. یکی از تذکرات مهم علامه جعفری این بود که اصول فلسفی و متافیزیکی سوار بر علوم اند و علم فقط تجربی نیست. ایشان مباحثات علمی زیادی با دکتر حسابی داشتند.

وی در ادامه عنوان کرد: از راسل پرسشی مطرح شد پیرامون تعریف پوزیتیویسم و راسل گفت: پوزیتیویسم یعنی دنیا همین چیزهایی است که می‌بینیم. علامه جعفری به خطر پوزیتیویسم توجه داشت. یکی از اشکالات دیگر ما این است که به تحولات حدود ۳۰ سال اخیر غرب درباره علم توجه نداریم. در این دوران دیدگاه‌های فلسفی و متافیزیکی شدیداً اهمیت یافته است.

وی سپس گفت: علامه جعفری هدف زندگی را حیات معقول می‌دانستند. یعنی انسان بداند از کجا آمده، به کجا می‌رود، رسالتش چیست و در این جهان با برنامه ریزی و اختیار اهداف زندگی متعالی را دنبال کند. علامه جعفری علم و دین و فلسفه را ارکان حیات معقول می‌دانستند. یاد می‌آید در همین خانه در دیدار علامه جعفری و پروفسور عبدالسلام مترجم بودم. علامه جعفری از پروفسور عبدالسلام پرسید: نظر شما درباره اصل عدم قطعیت چیست؟ پروفسور عبدالسلام پاسخ داد: من تابع تجربه هستم. من گفتم تئوری وحدت بخشی نیروها از کدام تجربه به دست می‌آید؟ پروفسور عبدالسلام سکوت کرد و پاسخی نداشت.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سپس گفت: در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی به آقای روحانی گفتم: جامعه ما نه غربی است، نه شرقی و نه اسلامی. چون غرب و شرق در زمینه‌های متعدد از ما جلوتراند و اسلامی هم نیست به این استناد که خبرنگار آمریکایی گفت: تهران آمریکایی‌ترین شهر است که تاکنون دیده‌ام. محیط فرهنگی ما خراب است و باید در این زمینه کار کنیم. نسل جوان ما اصلاً نمی‌داند زندگی چیست. کتاب دکتر نصری کتاب خوبی در راستای این هدف است.

نشست رونمایی از کتاب «آری گویی به زندگی؛ معنای زندگی از دیدگاه علامه جعفری و مهدی گلشنی، قاسم پور حسن و عبدالله نصری، نویسنده کتاب



در کتابخانه علامه جعفری برگزار شد.

در ابتدای نشست قاسم پورحسن به سخنرانی پرداخت. وی گفت: این کتاب پیشینه‌ای طولانی دارد و من شاهد تلاش‌های دکتر نصری برای تهیه این کتاب بوده‌ام. برخی تصور می‌کنند نگاه اسلامی و دینی حرفی برای زندگی ندارد و این کتاب از این جهت بسیار ارزشمند است. دیدگاهی که ما در ایران نسبت به زندگی داریم فهم غربی است و احتمالاً دیدگاهی از شوپنهاور به این سمت داریم. قهرمان این سپهر را نیچه می‌دانند به واسطه رویکرد نیهیلیسم که در غرب مطرح شد. نیچه اولین کسی بود که در راستای آری گویی به زندگی سخن گفت و دیدگاه‌هایی را در مقابل نگاه سلبی شوپنهاور مطرح کرد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه عنوان کرد: علامه جعفری معتقد بود ما مرتبه‌ای بالاتر از حیات معقول داریم. علامه طباطبایی نیز شبیه این بحث را دارند. فهم غربی می‌گوید زندگی و انسان اصالت ندارند. اما دیدگاه علامه جعفری در این زمینه ایجابی است و فهمی بنیادین از انسان و زندگی است. علامه جعفری نسبت‌هایی را میان انسان با خودش، با مبدأ، هستی و خدا مطرح می‌کند. فکر می‌کنم دکتر نصری موفق شدند در کتاب تفاوت‌های اساسی و بنیادی ما را بیان کنند.

وی افزود: پیشنهاد می‌کنم دکتر نصری در چاپ دوم به گونه‌شناسی آراء معنای زندگی بپردازند. دیدگاه غایت‌محورانه، طبیعت‌محورانه و انسان‌محورانه را در این گونه‌شناسی مد نظر قرار دهند و دیدگاه علامه را نیز تشریح کنند. ایشان چند اثر دیگر هم دارند که با اهمیت است. مثل کتاب «در جستجوی حکمت» که درباره مرحوم حائری نوشته‌اند. گاهی می‌گوییم صلح از این جهت خوب است که جنگ نباشد. این دیگاه غلط است و علامه جعفری در این باره صحبت کرده‌اند. این که تصور کنیم اندیشیدن به معنای زندگی از این جهت لازم است که دچار نیهیلیسم و نگاه غربی به زندگی نشویم اشتباه است.

پور حسن در ادامه گفت: می‌بینم که خیلی از اساتید، کتاب فلسفه زندگی علامه را نخوانده‌اند و نمی‌دانند که ایشان در این باره دیدگاه‌های مهمی دارند. دکتر نصری تسلط فهمی نسبت به آراء علامه دارند. این کتاب ایشان دوباره مطرح کردن و جمع‌آوری آراء علامه نیست و پاسخ به خیلی از پرسش‌ها در این کتاب وجود دارد. یک پرسش که در این بین اهمیت دارد این است که متفکران غربی در یک بافتار متفاوتی زیسته‌اند. آیا می‌توانیم دیدگاه‌هایمان را با آن‌ها مقایسه کنیم؟ پرسشی فلسفه تطبیقی این است که آیا می‌خواهیم صرفاً شباهت‌ها و تفاوت‌ها را بیان کنیم؟ خیر بلکه با فهم و خوانشی که از مبادی فکری آن‌ها می‌کنیم، می‌خواهیم بنیادهای آراء مختلف را پیدا کنیم. اگر بخش پایانی این کتاب کتاب که خیلی اندک است گسترده تر شود این کتاب می‌تواند کتابی مهم در حوزه فلسفه تطبیقی باشد.

وی در انتها اظهار داشت: با پرسش‌هایی که در آن سوی دنیا شکل گرفته می‌توانیم آراء متفکران خود را بازخوانی کنیم. یعنی فیلسوفان مان را زنده وار بخوانیم. ما در حال حاضر متوجه مشکلات اجتماعی مان نیستیم. چه در صدا و سیما و چه در دانشگاه‌ها دیدگاه‌های متفکران مان را بازخوانی